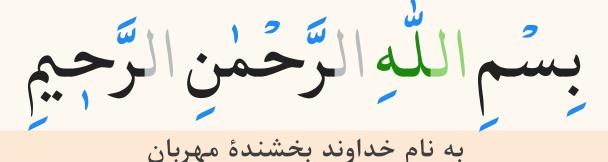


جزء ۱۶ - صفحه ۲۰۲ تا صفحه ۲۲۱

الجزء السادس عشر - الصفحة ٣٠٢ إلى الصفحة ٣٢١ Juz' (Part) 16 - Page 302 to Page 321



In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!





گفت: آیا با تو نگفتم که تو

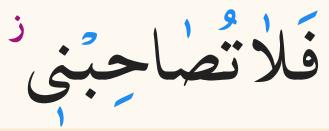
He said: "Did I not tell you



هرگز ظرفیت و مقام آنکه با من صبر کنی نخواهی داشت؟ (۷۵) that you would never manage to have any patience with me?" (75) \Diamond

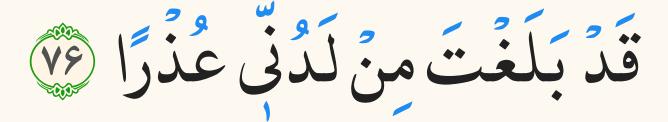
قَالَ إِنْ سَالَتُكُ عَنْ شَيْءٍ بَعُدُهٰا

موسی گفت: اگر بار دیگر از تو مؤاخذه و اعتراضی کردم He said: "If I ever ask you about anything after this,



از آن بعد با من ترک صحبت و رفاقت کن do not let me accompany you.





که از (تقصیر) من عذر موجه (بر متارکهٔ دوستی) به دست خواهی داشت. (۷۶) You have found an excuse so far as I am concerned." (76)



باز با هم روان شدند تا وارد بر شهری شدند They both proceeded further till when they came

أَهُلُ قُرْبَةٍ إِسْتَطْعَمَا آهُلُهَا

و از اهل آن شهر طعام خواستند، to the people of a [certain] town, they asked its inhabitants



مردم از طعام دادن و مهمانی آنها ابا کردند for some food, and they refused to treat either of them hospitably. 🕒

فُوجَدا فِيها جِدارًا

(آنها هم از آن شهر به عزم خروج رفتند تا) در (نزدیکی دروازهٔ آن) شهر به دیواری They found a wall there which was about

يُرِيدُ أَرِثَ يَنْقَضُ فَأَقَامُهُ وَ يَرْبِدُ أَرِثَ يَنْقَضُ فَأَقَامُهُ وَ يَرْبِدُ أَرِثَ يَنْقَضُ فَأَقَامُهُ وَ

که نزدیک به انهدام بود رسیدند و آن عالم به استحکام و تعمیر آن پرداخت.



باز موسی گفت: روا بود که He said: "If you had wished,



بر این کار اجرتی می گرفتی. (۷۷) you might have accepted some payment for it." (77) آن عالم گفت: این (سه بار کمظرفی و بی صبری He said: "This [means]



و اعتراض، عذر) مفارقت بین من و توست، a parting between you and me.

سَأُنْ بِنُا وَيِلِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّلَّ اللَّهُ ا

من همین ساعت تو را بر اسرار کارهایم Yet I shall inform you about



که بر فهم آن صبر و ظرفیت نداشتی آگاه می سازم. (۷۸) the interpretation of what you had no patience for. (78)



أمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتُ لِمُسَاكِينَ

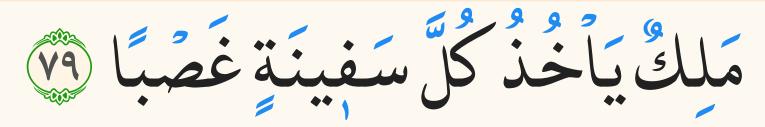
اما آن کشتی، صاحبش خانوادهٔ فقیری بود As for the ship, it belonged to some poor men



که در دریا کار میکردند (و از آن کشتی کسب و ارتزاق مینمودند) who worked at sea.

فَأَرَدُتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمُ

خواستم چون کشتیها(ی بیعیب) را پادشاه در سر راه به غصب I wanted to damage it because there was a king



می گرفت این کشتی را ناقص کنم (تا برای آن فقیران باقی بماند). (۲۹) behind them seizing every ship by force. (79)



و اما آن پسر (کافر بود و)
The young man's parents



پدر و مادر او مؤمن بودند، were believers,



فَخشينا آرَ يُرْهِقَهُما

از آن باک داشتیم که آن پسر آنها را and we dreaded lest he would burden them



به خوی کفر و طغیان خود درآورد. (۸۰) with arrogation and disbelief. (80)



فَأَرَدُنَا أَنْ يُبُدِلَهُمَا رَبُّهُمَا

خواستیم تا به جای او خدایشان فرزندی بهتر و صالح تر We wanted their Lord to replace him for them with



و مهذب تر و نزدیکتر به ارحام پرستی به آن پدر و مادر بخشد. (۸۱) | someone better than him in purity and nearer to tenderness. (81)

وَ أَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلامَيْنِ

و اما آن دیوار از آنِ The wall belonged to two orphan boys



دو طفل یتیمی در آن شهر بود [living] **in the city**,



وَ كَانَ نَحْتُهُ وَكُنْرُ لَهُمَا

که زیر آن گنجی برای آن دو نهفته بود and a treasure of theirs lay underneath it.



و پدری صالح داشتند، Their father had been honorable,



فَأَرْادَ رَبُكَ أَنْ يَبُلُغَا أَشُدُهُمَا

خدایت خواست تا به لطف خود آن اطفال به حد رشد رسند so your Lord wanted them to come of age



و خودشان گنج را استخراج کنند. and claim their treasure



رَحْمَةُ مِنْ رَبِّكُ عَ

و من این کارها as a mercy from your Lord.



نه از پیش خود (بلکه به امر خدا) کردم. I did not do it of my own accord.



ذلك تأويل

این است مآل و باطن کارهایی That is the interpretation



که تو طاقت و ظرفیت بر انجام آن نداشتی. (۸۲) of what you showed no patience for." (82)



و از تو (ای رسول) سؤال از ذوالقرنین میکنند، They will ask you about Double Horns.



پاسخ ده که من به زودی حکایتی از او بر شما خواهم خواند. (۸۳) SAY: "I shall render an account of him for you." (83)

إنَّا مَكُنَّا لَهُ وفِي الْأَرْضِ

ما او را در زمین تمکن و قدرت بخشیدیم We established things on earth for him,



و از هر چیزی رشته ای به دست او دادیم. (۸۴) and gave him access to everything; (84)





او هم رشتهای را پی گرفت. (۸۵) so he followed a [certain]course (85)



تا هنگامی که (در سیر خود) به مغرب رسید until when he reached the place



وَجَدُها تَغُرُبُ فِي عَيْنِ حَمِئَةٍ

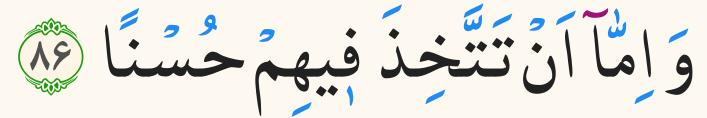
خورشید را (که در دریای محیط غروب میکرد) چنین یافت که در چشمهٔ where the sun sets, he found it setting in a mucky spring alongside

آب تیرهای رخ نهان میکند و آنجا قومی را یافت که (چون کافر بودند)

which he (also) found some people.

قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ

به ذوالقرنين دستور داديم كه دربارهٔ اين قوم يا قهر و عذاب We said: "Double Horns, either you will punish [them]



(اگر ایمان نیاوردند) یا لطف و رحمت (اگر ایمان آرند) به جای آور. (۸۶) or else act kindly towards them." (86)

قَالَ امَّا مَنْ ظَلَّمَ فَسُوفَ نَعَذِّبُهُ وَتُمَّ

ذوالقرنين به آن قوم گفت: اما هركس (ازشما) ظلم و ستم كرده او را به كيفر خواهيم He said: "Anyone who has done wrong we shall punish; then he will be

برد إلى ربه فيعذبه وعذابًا نكرًا ١

رسانید و سپس هم که (بعدازمرگ) به سوی خدا بازگردد خدا او را به عذابی بسیار سخت sent back to his Lord, and He will punish him with horrible torment. (87)

وَ أَمًّا مَنْ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا

کیفرخواهدکرد.(۸۷) و اما هر کس به خدا ایمان آورد و نیکو کردار باشد Anyone who believes and acts honorably



نیکوترین اجر خواهد یافت will have the finest reward





و هم ما امر را بر او سهل و آسان گیریم. (۸۸) and we will tell him gently about our command." (88)



و باز وسیله و رشتهای را پی گرفت (و سفر را ادامه داد). (۸۹)

Then he followed [another] course (89)





تا چون به مشرق زمین until when he reached



رسید آنجا دید the place where the sun rises,



وَجُدُها تُطُلُّعُ عَلَى قَوْمِ

که خورشید بر قومی می تابد که ما میان آنها و آفتاب ساتری قرار نداده ایم he found it rising on a folk whom



(یعنی لباس و خیمه و مسکنی که از حرارت خورشید سایبان کنند نداشتند). (۹۰) We had not granted any protection against it. (90)

كذلك و قد أحطنا بما لديه

همچنین بود، و البته ما از احوال او کاملًا با خبر بودیم. (۹۱) That was how We controlled information about whatever lay



باز وسیله و رشته ای را پی گرفت (و به سمت شمال سفر را ادامه داد). (۹۲) before him. (91) Then he followed [still another] course (92)

حَتّى إذا بَلغ بَيْنَ السّدّينِ

تا چون رسید میان دو سد (دو کوه بین دو کشور در شمال until when he reached two barriers,



یا جنوب خاک ترکستان) آنجا قومی را یافت he found a folk on the nearer side of them





که سخنی فهم نمی کردند (و سخت وحشی و زبان نفهم بودند) (۹۳) who scarcely understood any speech. (93)



آنان گفتند: ای ذوالقرنین، They said: "Double Horns,



إنَّ يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ

قومی به نام یأجوج و مأجوج در این سرزمین Gog and Magog



(پشت این کوه) فساد (و خونریزی و وحشیگری) بسیار میکنند، are ravaging the earth.

آیا چنانچه ما خرج آن را به عهده گیریم سدی میان ما Shall we pay you tribute on condition that you place



و آنها میبندی (که ما از شر آنان آسوده شویم)؟ (۹۴) a barrier between us and them?" (94) قال ما مكنى فيدر بي خير فاعينوني

ذوالقرنین گفت: تمکن و ثروتی که خدا به من عطا فرموده (ازهزینهٔ شما) بهتراست (نیازی He said: "Whatever my Lord has empowered me to do is even better, so help

بقوة اجعل بينكم وبينهم ردمًا ها

به کمک مادی شماندارم) اما شما با من به قوت بازو کمک کنید (مرد و کارگراز شما، وسایل me with some [man] power: I'll place a rampart between you and them. (95)

عَاتُونِي زُبُرَ الْحُدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى

وهزینهٔ آن بامن) تا سدی محکم برای شما بسازم (که به کلی مانع دستبرد آنها شود). (۹۵)

Bring me blocks of iron." When he had levelled off [the space]

بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا دُ

برایم قطعات آهن بیاورید. (آن گاه دستور داد که زمین را تا به آب بکنند و از عمق زمین تا مساوی between both cliffs, he said: "Blow on it!",

حتى إذا جعكه فارًا

دوکوه از سنگ و آهن دیواری بسازند) تا چون میان آن دوکوه را برابر ساخت گفت: در آتش بدمید until when he had built it up into a fire,



تا چون آهن را بسان آتش بگداخت، گفت: برایم مس گداخته آورید تا برآن فروریزم. (۹۶) he said: "Bring me molten brass so I may pour some over it." (96)

فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ

از آن پس آن قوم نه هرگز بر بالای آن سد شدن They neither managed to climb over it



و نه بر شکستن آن سد و رخنهٔ در آن توانایی یافتند. (۹۷) nor were they able to tunnel through it. (97) قال هذا رَحْمَةُ مِنْ رَبِي

ذوالقرنین گفت که این (قدرت و تمکن بربستن سد) لطف و رحمتی از خدای من است He said: "This is a mercy from my Lord.

فَإِذَا جَاءً وَعُدُ رَبِّي جَعَلَهُ وَكُاءً

و آن گاه که وعدهٔ خدای من فرا رسد، آن سد را متلاشی و هموار با زمین گرداند Whenever my Lord's promise comes, he will make it crumble.



و البته وعدهٔ خدای من محقق و راست است. (۹۸) My Lord's promise is true!" (98)



و روز آن وعده که فرا رسد (طایفهٔ یأجوج و مأجوج یا) همهٔ خلایق محشر

We will leave some of them surging

يَمُوجُ فِي بَعْضِ وَ نَفِخَ فِي الصّورِ

چون موج مضطرب و سرگردان باشند و درهم آمیزند، و نفخهٔ صور دمیده شود over others on that day. The Trumpet shall be blown,



و همهٔ خلق را در صحرای قیامت جمع آریم. (۹۹) and We will gather them all together. (99)



و در آن روز دوزخ را On that day We will spread Hell out



(که انکار میکردند) آشکار به کافران بنماییم. (۱۰۰) on display for disbelievers (100)



آن کافرانی که بر چشم (قلب)شان پردهٔ (غفلت) بود whose eyes have been under blinders



و از یاد من غافل بودند و (از فرط هوای نفس)
against [seeing] My reminder.





هیچ توانایی بر شنیدن (آیات و کلمهٔ الهی) نداشتند. (۱۰۱) They have not even managed to hear! (101)



آیا کافران پندارند که بندگان من Do those who disbelieve reckon

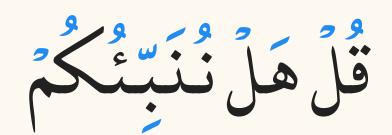


ان يَتْخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي اَوْلِياءً

(چون فرشتگان و حضرت مسیح) را به جای من دوست و یاور خود می گیرند؟! they will adopt My servants as patrons instead of Me?



ما برای کافران دوزخ را منزلگاه قرار داده ایم. (۱۰۲) We have reserved Hell as a lodging for disbelievers! (102)



بگو که آیا میخواهید

SAY: "Shall We announce to you



شما را بر زیانکارترین مردم آگاه سازیم؟ (۱۰۳)

those who have lost the most through [their] actions?" (103)





(زیانکارترین مردم) آنها هستند که (عمر و) سعی شان Those whose effort led them



در راه دنیای فانی، تباه گردید astray during worldly life,





و به خیال باطل می پنداشتند while they reckoned



که نیکوکاری میکنند. (۱۰۴) they were producing something fine, (104)



اُولْئِكَ النَّذِينَ كَفَرُوا بِعَايَاتِ رَبِّهِمْ

همین دنیا طلبانند که به آیات خدای خود کافر شدند are the ones who have disbelieved in their Lord's signs



و (روز) ملاقات خدا را انكار كردند، لذا اعمالشان همه تباه گشته and about meeting Him; their actions will prove to be useless,



و روز قیامت آنها را and We shall set up no weighing



هیچ وزن و ارزشی نخواهیم داد. (۱۰۵) -in for them on Resurrection Day. (105)

ذلك جزاؤهم جهنم بما كفروا

این است که اینان چون کافر شده و آیات

Such will be their reward— Hell, because of how they have disbelieved



و پیمبران مرا استهزاء کردند به آتش دوزخ، کیفر خواهند یافت. (۱۰۶) and taken My signs and My messengers for a laughingstock. (106) 🔊

آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند Those who believe and perform honorable deeds



البته آنها در بهشت فردوس منزل خواهند یافت. (۱۰۷) will have the gardens of Paradise as a lodging (107)



همیشه در آن بهشت ابد منزل یافته to live in for ever;



و هرگز از آنجا انتقال نخواهند یافت. (۱۰۸) they will never seek any transfer from it. (108)



قُلُ لُو كَانِ الْبَحْرُ مِذَادًا

بگو که اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگار من مرکّب شود SAY: "If the sea were an inkwell



پیش از آنکه کلمات پروردگارم به آخر رسد دریا خشک خواهد شد for the words of my Lord, the sea would be drained

قَبُلُ أَنْ تَنْفُدُ كُلِمَاتُ رَبِّي

هر چند دریایی دیگر باز ضمیمهٔ آن کنیم (یعنی عوالم وجود before my Lord's words would be spent even though



که کلمات تکوینی الهی است بی حد و نامتناهی است). (۱۰۹) we brought the same again to replenish it. (109)

بگو: جزاین نیست که من مانند شما بشری هستم (دعوی احاطه به جهان های نامتناهی SAY: "I am only a human being like yourselves; it has been revealed

انما الهُ الهُ واحِدُ

وكلية كلمات الهى نكنم، تنها فرق من با شما اين است) كه به من وحى مى رسد كه خداى شما to me that your deity is God Alone.

فَمَنْ كَانِ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّه

خدای یکتاست، پس هر کس به لقای (رحمت) پروردگارش Anyone who is expecting to meet his Lord



امیدوار است باید نیکوکار شود should act honorably





و هرگز در پرستش خدایش and not associate anyone



احدی را با او شریک نگرداند. (۱۱۰) in the worship due his Lord." (110)





سوره ۱۹ – ۹۸ آیه – مکی

Surah 19: (Maryam)



In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!





کهیعص (این حروف رموز و اسراری است در میان خدا و رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم). (۱)

K.H.Y.E.S (1) [This is]



در این آیات پروردگار تو از رحمتش بر بندهٔ خاصّ خود زکریا سخن میگوید. (۲) a Reminder of your Lord's mercy towards his servant Zachariah (2)



(یاد کن حکایت او را) وقتی که خدای خود را پنهانی (و از صمیم قلب) ندا کرد. (۳) when he appealed to his Lord with a suppressed cry. (3)



عرض کرد که پروردگارا، استخوان من سست گشت He said: "My Lord, my bones are tottering for me



و فروغ پیری بر سرم بتافت and my head is glistening with white hair,



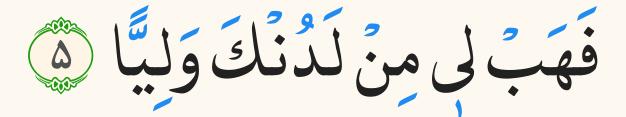
و با وجود این من از دعا به درگاه کُرَم تو خود را هرگز محروم ندانسته ام. (۴) while I have never been grumbling in my appeal to You, my Lord! (4)

وَ إِنَّى خِفْتُ الْمُوالِي مِنْ وَرَاءِي

و من از این وارثان کنونی (که پسر عموهای من هستند) برای پس از خود بیمناکم (مبادا Yet I fear for my heirs after me



که پس از من در مال و مقامم خلف صالح نباشند و راه باطل پویند) و زوجهٔ من هم نازا while my wife is barren,



و عقیم است، تو از لطف خاص خود فرزندی به من عطا فرما. (۵) so grant me goodly an heir from Your presense. (5)

يَرِثْنِي وَ يَرِثُ مِنَ عَالِ يَعْقُوبَ

که او وارث من و همهٔ آل یعقوب باشد who may inherit from me, and inherit from Jacob's house.



و تو ای خدا، او را وارثی پسندیده و صالح مقرر فرما. (۶) Make him someone we can approve of, my Lord!" (6)



ای زکریا همانا تو را به فرزندی "Zachariah, We bring you news about a boy





که نامش یحیی است whose name will be John.



و از این پیش همنام و همانندش (در تقوا) نیافریدیم بشارت می دهیم. (۷)

We have not given such a name to anyone before." (7)

قَالَ رَبِّ أَنِي يَكُورِ ثُ لِي غُلامٌ

زکریا (از فرط شوق و شگفتی و برای حصول اطمینان) عرض کرد: الها، مرا از He said: "My Lord, how will I have a boy

و كانت امراتي عاقرًا

کجا پسری تواند بود در صورتی که زوجهٔ من نازاست while my wife is barren





و من هم از شدت پیری خشک و فرتوت شده ام؟! (۸) and I have reached such extreme old age?" (8)



(فرشتهای از زبان خدا) گفت: چنین خواهد شد پروردگارت گوید:

He said: "Just as your Lord has said: 'It is a trifling thing for me [to do].

وَ قَدْ خُلَقْتُكُ مِنْ قَبُلُ

این کار برای من بسیار آسان است و منم که تو را پس از هیچ I created you before



و معدوم صرف بودن، نعمت وجود بخشیدم. (۹) while you were still nothing!"' (9)



قَالَ رَبِّ اجْعَلَ لِي عَايَةً قَالَ عَايَتُكُ

زکریا باز عرضه داشت: بارالها، برای من نشانه و حجتی براین بشارت قرار ده، خدا فرمود: بدین He said: "My Lord, grant me a sign!" He said: "Your sign will be



نشان که تاسه شبانه روز با مردم تکلم نکنی (وبرسخن قادر نباشی) با آنکه تندرست هستی. (۱۰) that you will not speak to any people for three nights in a row." (10)



پس زکریا در حالی که از محراب (عبادت)
He came forth to his folk



بر قومش بیرون آمد from the sanctuary





به آنان اشاره کرد که and revealed to them how



صبح و شام به تسبیح و نماز قیام کنید. (۱۱) they should glorify [God] both morning and evening. (11)





(چون زکریا ذکرتسبیح و نماز کرد ما به او یحیی را عطا کردیم و چون سه ساله شد به وی خطاب
"John, hold firmly to the Book."



کردیم که) ای یحیی، توکتاب آسمانی ما را به قوت (نبوت) فراگیر، و به او در همان سن کودکی

We gave him discretion as a young boy (12)

وَ حَنَانًا مِنْ لَدُنًّا وَ زَكُوةً وَ

مقام نبوت بخشیدیم. (۱۲) و نیز او را به لطف خاص خود رحمت و مهربانی plus compassion from Our presence and innocence.



و پاکی و پارسایی دادیم و او طریق تقوا پیش گرفت. (۱۳) He was conscientious (13)

وَ بَرًّا بِوَالِدَيْهِ

و هم در حق پدر و مادر خود بسیار نیکوکار بود and considerate towards his parents,



و هرگز به احدی ستم نکرد و معصیت خدا را مرتکب نگردید. (۱۴) and was not demanding, rebellious. (14) وَ سَلامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ

و سلام حق بر او باد در روز ولادتش و روز وفاتش Peace be upon him the day he was born, and the day he will die,



و روزی که زنده برانگیخته خواهد شد. (۱۵) and the day he is raised to life again! (15) و یاد کن در کتاب خود احوال مریم را آن گاه که از اهل خانهٔ خویش Mention in the Book how Mary withdrew



کنار گرفته به مکانی به مشرق (بیتالمقدس برای عبادت) روی آورد. (۱۶) from her people to an Eastern place. (16)

فَانْخُذْتُ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا

و آن گاه که از همهٔ خویشانش به کنج تنهایی محتجب و پنهان گردید She chose to be secluded from them.

فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا

ما روح خود را (روح القدس كه فرشتهٔ اعظم است) بر او فرستاديم We sent her Our spirit,

فَتُمثّلُ لَها

و او در صورت بشری زیبا who presented himself



و راست اندام بر او ظاهر شد. (۱۷) to her as a full-grown human being. (17)



قَالَتُ إِنَّى آعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ

مریم گفت: من از تو پناه به خدای رحمان می برم She said: "I take refuge with the Mercy-giving from you,



اگر مرد پرهیزکاری هستی. (۱۸) unless you are someone who does his duty." (18)

قَالَ إِنَّمَا آنَا رَسُولُ رَبِّكِ

گفت: من فرستادهٔ خدای توام،

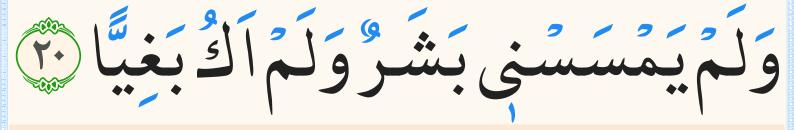
He said: "I am only your Lord's messenger



آمده ام تا تو را پسری بخشم بسیار پاکیزه و پاکسیرت. (۱۹) to bestow a clean-living boy on you." (19)



مریم گفت: از کجا مرا پسری تواند بود در صورتی که She said: "How shall I have a boy when



دست بشری به من نرسیده و کار ناشایستهای هم نکردهام؟ (۲۰) no human being has ever touched me, nor am I a loose woman?" (20)



گفت: این چنین کار البته خواهد شد، He said: "Thus



خدایت فرموده که بسیار بر من آسان است (تا قدرت ما را بر آن دریابی)
your Lord has said: 'It is a simple matter for Me [to do].

وَ لِنَجْعَلَهُ وَ عَايَةً لِلنَّاسِ

و تا این پسر را آیت بزرگ و رحمت واسع خود We will grant him as a sign for mankind



برای خلق گردانیم و قضای الهی بر این کار رفته است. (۲۱) and a mercy from Ourself.' It is a matter that has been decided." (21)



پس مریم (به مشاهدهٔ جبرئیل، در گریبانش نسیم اهتزازی یافت و) به آن پسربار برداشت So she conceived him,



و (برای آنکه از سرزنش قوم جاهل برکنارباشد) با آن به مکانی دور خلوت گزید. (۲۲) and withdrew to a remote place to have him. (22)

فَأَجْاءُهَا الْمَخَاضُ

آن گاه درد زاییدن او را Labor pains came over her



به کنار درخت خرمایی کشانید by the trunk of a datepalm.



قَالَتُ يَا لَيْتَنِي مِتْ قَبُلَ هٰذَا

(و از شدت حزن و اندوه با خود) گفت: ای کاش من از این پیش مرده بودم She said: "If only I had died before this,



و از صفحهٔ عالم به کلی نامم فراموش شده بود. (۲۳) and been forgotten, overlooked!" (23)

فَنَادُمُهُا مِنْ تَحْتِهَا ٱلْاتْحُزَنِي

پس از زیر آن درخت (روحالقدس یا فرزندش عیسی) او را ندا کرد Someone called out to her from below where she was:



که غمگین مباش که خدای تو از زیر قدم تو چشمهٔ آبی جاری کرد. (۲۴) "Don't feel so sad! Your Lord has placed a brook at your feet. (24) شاخ درخت را به سوی خود حرکت ده Shake the trunk of the datepalm towards you



تا از آن بر تو رطب تازه فرو ریزد. (۲۵) so it will drop some fresh dates on you. (25)

فَكُلِي وَ اشْرَبِي وَ قَرِّى عَيْنًا دُ

پس (از این رطب) تناول کن و (از این چشمهٔ آب) بیاشام و چشم خود Eat and drink, and refresh yourself.



(به عیسی) روشن دار، و هر کس از جنس بشر را که ببینی Should you see even a single human being,

فَقُولِي إِنَّى نَذُرُتُ لِلرَّحْمٰنِ صَوْمًا

(به اشاره) با او بگو: برای خدای رحمن نذر روزهٔ (سکوت) کرده ام then say: 'I have vowed to keep a fast to the Mercy-giving whereby



و امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت. (۲۶) ا'اا never speak to any person today!''' (26)

فَأَتُتُ بِهِ قُومَهَا نَحُمِلُهُ وَقَالُوا

آن گاه کودک را برداشته نزد قوم خود آورد گفتند: She carried him back to her family. They said:



ای مریم عجب کاری منکر و شگفتآور کردی! (۲۷) "Mary, you have brought something hard to believe! (27)

يا أخت هرون ما كان أبوك امرا

ای خواهر هارون، تو را نه پدری ناصالح بود Kinswoman of Aaron, your father was no evil man,



و نه مادری بدکار (پس تو دختر بکر از کجا فرزند یافتی)! (۲۸) nor was your mother a loose woman." (28)

فَأَشَارُتُ النَّهِ قَالُوا كَيْفَ

مریم به اشاره حواله به طفل کرد، آنها گفتند: She pointed to him. They said: "How shall we talk



ما چگونه با طفل گهواره ای سخن گوییم؟ (۲۹) to someone who is a child in the cradle?" (29)



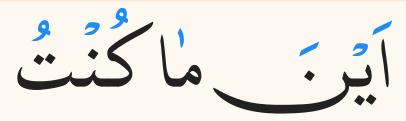
آن طفل (به امر خدا به زبان آمد و) گفت: همانا من بندهٔ خاص خدایم He said: "I am God's servant. He has given me the Book



که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود. (۳۰) and made me a prophet. (30)

وَ جَعَلَنِي مُبَارًكًا

و مرا هر كجا كه باشم He has made me blessed



مایهٔ برکت (و رحمت) گردانید، wherever I may be,



وَ أَوْصَلَى بِالصَّلُوةِ وَ الزَّكُوةِ

و تا زنده ام به عبادت نماز و زکات and commissioned me to pray and [pay] the welfare tax



سفارش کرد. (۳۱) so long as I live; (31)





و مرا نیکوکار به مادرم ساخت and [to act] considerate towards my mother.



و مرا ستمکار و شقی نگردانید. (۳۲)

He has not made me domineering, hard to get along with. (32)



وَ السَّلامُ عَلَى يَوْمَ وُلِدُتُ

و سلام حق بر من است روزی که به دنیا آمدم و روزی که از جهان بروم Peace be on the day I was born,



و روزی که (برای زندگانی ابدی) باز زنده برانگیخته شوم. (۳۳) and the day I shall die and the day I am raised to life again!" (33) 🍐

ذُلِكَ عِيسَى ابْرِثُ مَرْيَبُمُ

این است (قضیهٔ) عیسی بن مریم که مردم در امر خلقتش شک و ریب دارند، Such was Jesus, the son of Mary;



اکنون به سخن حق و صواب، حقیقت حالش بیان گردید. (۳۴)

[it is] a true statement which they are still puzzling over. (34)

مَا كَانَ لِلَّهُ أَنْ يَتَّخِذُ مِنْ وَلَدِ

خدا را هرگز نشاید که فرزندی اتخاذ کند، It is not God's role to adopt a son.



که وی منزه از آن است،

Glory be to Him!



إذا قضى أمرًا

(او قادری است که) چون حکم نافذش به ایجاد چیزی تعلق گیرد Whenever He determines upon some matter,



همین که گوید: (موجود باش) بی درنگ آن چیز موجود می شود. (۳۵) He merely tells it: "Be!", and it is. (35)

وَإِنَّ اللَّهُ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ *

خدای یکتا پروردگار من و شماست، او را پرستید God is my Lord and your Lord, so worship Him [Alone].



که راه راست همین راه خداپرستی است. (۳۶) This is a Straight Road [to follow]. (36)



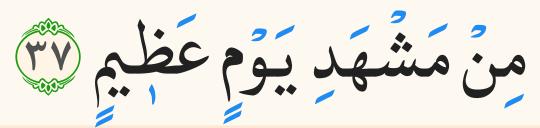
آن گاه طوایف مردم (یعنی نصاری) در میان خود (دربارهٔ مسیح پسر مریم) اختلاف کردند Factions have differed



(برخی او را از کفرو جهل، خدا دانستند و برخی پسر خدا و برخی پسریوسف نجارش خواندند)،

فَوَيْلُ لِلَّذِيرِ . كَفَرُوا

پس وای بر این مردم کافر yet how awful will it be for those who disbelieve



از حضور در آن روز بزرگ قیامت. (۳۷)

when it comes to the spectacle on such a dreadful day! (37)





روز محشر که خلق به سوی ما بازآیند Listen to them



چقدر شنوا و بینا شوند! and watch for the day when they will come to Us;



لْكِنِ الظَّالِمُونَ الْبَوْمَ

ولی امروز (که باید حقیقت را بشنوند و ببینند) مردم ستمکار though wrongdoers are



همه به گمراهی و ضلالت آشکار فرو رفته اند. ($^{(7A)}$) in obvious error even today. (38)



وَ أَنْذِرُهُمْ يُومُ الْحُسْرَةِ إِذْ قَضِى الْآمْرُ

و (ای رسول ما) امت را از روز غم و حسرت (یعنی روز مرگ و قیامت) بترسان که آن روز Warn them of the Day of Regret when the matter will be decided:



دیگرکارشان گذشته است و آنها سخت از آن روز غافلند و به آن ایمان نمی آورند. (۳۹) they act so heedless and still do not believe. (39)

إِنَّا نَحُرُ ثُ نُرِثُ الْأَرْضَ

تنها ماییم که (پس از فنای خلق و انتقالشان به عالم آخرت) زمین It is We Who will inherit the Earth



و اهلش را وارث می شویم و همه به سوی ما بازگردانده خواهند شد. (۴۰) plus anyone on it; to Us shall they return! (40)

وَ اذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرُهِيمَ

و یاد کن در کتاب خود شرح حال ابراهیم را Mention Abraham in the Book.



که او شخص بسیار راستگو و پیغمبری بزرگ بود. (۴۱) He was a truthful prophet (41)

إذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا آبَتِ لِمَ تَعَبُدُ

هنگامی که با پدر خود (یعنی عموی خویش آزر) گفت: ای پدر، when he told his father: "My father, why do you worship



چرا بتی جماد را که چشم و گوش (و حس و هوشی) ندارد something that neither hears nor perceives [anything],





و هیچ رفع حاجتی از تو نتواند کرد پرستش میکنی؟ (۴۲) and does not benefit you in any way? (42)

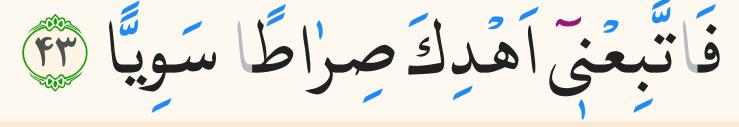


ای پدر، مرا (از وحی خدا) علمی آموختند My father, I have been given some knowledge





که تو را آن علم نیاموختهاند، which has not come to you,



پس تو مرا پیروی کن تا به راه راستت هدایت کنم. (۴۳) so follow me: I'll guide you along a Level Road. (43)

يا آبت لا تعبد الشيطان

ای پدر، هرگز شیطان را نپرست My father, do not serve Satan!



که شیطان سخت با خدای رحمان مخالفت و عصیان کرد. (۴۴) Satan was defiant towards the Mercy-giving. (44)

ياآبت إنى أخاف

ای پدر، از آن سخت می ترسم My father, I fear lest some torment



که از خدای مهربان بر تو قهر و عذاب رسد from the Mercy-giving should afflict you,





و (به دوزخ) با شیطان یار و یاور باشی. (۴۵) and you become a partisan of Satan." (45)



گفت: ای ابراهیم، تو مگر از خدایان من روگردان و بی عقیده شدی؟

He said: "Do you dislike my gods, Abraham?



يا آبرهم لئن لم تنته لارجمنك

چنانچه دست (از مخالفت بتان) برنداری بیگمان تو را سنگسار کنم، If you do not stop, I'll cast you out.



و گرنه سالها از من به دور باش. (۴۶) Leave me alone as soon as you can!" (46)

قَالَ سَلامٌ عَلَيْكُ سَاسَتُغُورُ لَكَ

باز ابراهیم گفت: سلامت باشی، من از خدای خود برای تو آمرزش He said: "Peace be upon you! I'll seek forgiveness for you



خواهم خواست، که او بسیار در حقّ من مهربان است. (۴۷) from my Lord; He has been so Gracious towards me. (47)





من از شما I'll move away from you (all)



و بتانی که به جای خدا می پرستید دوری کرده and from anything you appeal to instead of God.



وَ أَدْعُوا رَبِّي

و خدای یکتایم را میخوانم و امیدوارم که چون او را بخوانم I shall appeal to my Lord;



از درگاه لطفش محروم نمانم (و مرا از شرّ مشرکان حفظ کند). (۴۸) perhaps I'll not feel quite so miserable with my Lord's appeal." (48)

فَلَمَّا اعْتَرْلَهُمْ

و چون ابراهیم از آن قوم When he moved away



و بتانی که به جای خدا می پرستیدند دوری گزید from them and what they worshipped instead of God,



وَهَبُنَا لَهُ وَإِسْحَقَ وَ يَعَقُوبَ

ما هم (به لطف و رحمت خود) به او اسحاق و (فرزند او) یعقوب را عطا کردیم We bestowed Isaac and Jacob on him.



و به همه شرف نبوت بخشیدیم. (۴۹) Each We made a prophet. (49)



وَ وَهُبُنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا

و آنها را از رحمت خود بهره مند ساختیم We bestowed some of Our mercy on them



و بر زبان عالمی آوازهٔ نکونامی شان را بلند گردانیدیم. (۵۰) and granted them a sublime tongue for telling truth. (50)

وَ اذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَى وَ إِنَّهُ وَ

و یاد کن در کتاب خود شرح حال موسی را که او Mention Moses in the Book. He was



بندهای برگزیده و رسولی بزرگ و مبعوث به پیمبری بود. (۵۱) sincere, and was a messenger, a prophet. (51)

و ما او را از جانب راست (وادی مقدس) طور ندا کردیم We called out to him from the right side of the Mountain,



و به مقام قرب خود برای استماع کلام خویش برگزیدیم. (۵۲) and brought him close to confide in. (52)

وَ وَهُبُنَا لَهُ ومِنْ رَحْمَتِنَا

و از لطف و مرحمتی که داشتیم برادرش هارون پیامبر را We bestowed his brother Aaron on him



نیز (برای مشارکت و مساعدت او) به او عطا کردیم. (۵۳) as a prophet through Our mercy. (53)

وَاذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسَمْعِيلَ ۚ إِنَّهُ وَكَانَ

و یاد کن در کتاب خود شرح حال اسماعیل را که Mention Ishmael in the Book. He kept true



بسیار در وعده صادق و رسول و پیغمبری بزرگوار بود. (۵۴) to the Promise, and was a messenger, a prophet. (54)

وَ كَانَ يَامُرُ اهْلَهُ وِبِالصَّلُوةِ وَ الزَّكُوةِ

و همیشه اهل بیت خود را به ادای نماز و زکات امر میکرد He used to order his people to pray and [pay] the welfare tax;



و او نزد خدایش بنده ای پسندیده بود. (۵۵) he was approved by his Lord. (55) ۱۳.

وَ اذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ

و یاد کن در کتاب خود احوال ادریس را Mention Idris in the Book.



که او شخصی بسیار راستگو و پیغمبری عظیمالشأن بود. (۵۶) He was a truthful prophet; (56)



و مقام او را بلند و مرتبهاش را رفيع گردانيديم. (۵۷) We raised him to a lofty place. (57)



اینان (که از زکریا تا ادریس اوصافشان یاد شد) همان رسولانی هستند Those are some of the prophets



مِنَ النّبينَ مِنْ دُرِيّةِ عَادَمَ

که خدا از میان همهٔ اولاد آدم from Adam's offspring whom God has favored,



و اولاد آنان که با نوح در کشتی نشاندیم and some of those We transported along with Noah,



وَ مِنْ ذُرِيّةِ إِبْرَاهِمَ وَ اِسْرَائِيلَ

و اولاد ابراهیم و یعقوب و دیگر کسان که هدایت کرده و برگزیدیم، and some of Abraham's and Ishmael's offspring,



آنها را به لطف و انعام خود مخصوص گردانید as well as some (others) We have guided and chosen.



إذا تُتلى عَلَيْهِمْ عَايَاتُ الرَّحْمَنِ

(و حال آنها در بندگی چنان است) که هرگاه آیات خدای رحمن بر آنها Whenever the Mercy-giving's signs are recited to them,



تلاوت شود با گریهٔ (شوق و محبت) روی اخلاص بر خاک نهند. (۵۸) they drop down on their knees and weep! (58) سپس جانشین آن مردم خداپرست قومی شدند Descendants have replaced them

أضاعُوا الصَّلُوة وَ اتَّبَعُوا الشَّهُواتِ

که نماز را ضایع گذارده و شهوتهای نفس را پیروی کردند who neglected prayer and followed [their own] passions.



و اینها به زودی کیفر گمراهی را خواهند دید. (۵۹) They shall meet with aimlessness (59)



مگر آن کس که توبه کند و ایمان آرد و نیکوکار شود، except for anyone who turns around (in repentance) and believes, 🕒

فَأُولَٰ عِلَى يَدْخُلُونَ الْجُنَّةُ

که آنان در این صورت بی هیچ ستم and acts honorably; those will enter the Garden



به بهشت ابد داخل خواهند شد. (۶۰) and not be harmed in any way— (60)



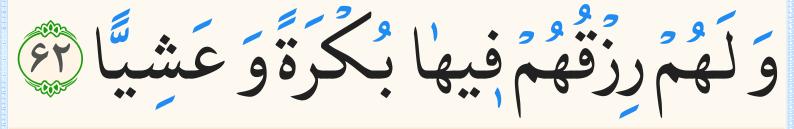
جَنَّاتِ عَدْنِ إِلَّتِي وَعَدَ الرَّحُمْنُ عِبَادَهُ وَ الرَّحُمْنُ عِبَادَهُ وَ الرَّحُمْنُ عِبَادَهُ وَ

آن بهشتهای عدنی که خدای مهربان برای بندگان (صالح) خود در غیب -the gardens of Eden which the Mercy-giving has promised His servants even

بالْغَيْبِ إِنَّهُ وَكَانَ وَعُدُهُ وَمَأْتِيًّا ﴿ وَالْغَيْبُ إِنَّهُ وَكَانَ وَعُدُهُ وَمَأْتِيًّا

این جهان وعده فرمود، و البته وعدهٔ خدا، یقین به انجام می رسد. (۶۱) though [they are still] Unseen. So far as He is concerned, His promise has لا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغُوّا إِلَّا سَلَامًا نَا اللَّهُ اللّ

در آن بهشت هرگز سخن لغوی نشنوند بلکه همهٔ گفتارشان سلام (و ستایش already been fulfilled. (61) They will hear no nonsense in it, only: "Peace!"



یکدیگر) است و در آنجا روزی آنها صبح و شام (بیهیچ رنج) به آنها میرسد. (۶۲) (as a greeting); they will have their provision there both morning and evening: (62)

این همان بهشتی است که ما بندگان پاک متقی خود را Such is the Garden which We bequeath to those of Our servants



بالخصوص وارث آن می گردانیم. (۶۳) who have been pious. (63)

وَ مَا نَتَنَزُلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ نَ

و ما (رسولان و فرشتگان خدا) جز به امر خدای تو از عالم بالا نازل نمی شویم، We never descend except at your Lord's command.



اوست که بر همهٔ جهانهای پیش رو و پشت سر ما He owns whatever is in front of us and whatever is behind us,

وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ

و بین آنها هر چه هست به احاطهٔ علمی آگاه است and whatever lies in between.



و پروردگارت هرگز چیزی را فراموش نخواهد کرد. (۶۴) Your Lord is not forgetful, (64)

رَبُّ السَّمُواتِ وَ الْأَرْضِ

همان خدایی که آفرینندهٔ آسمانها و زمین است [for He is] the Lord of Heaven and Earth



و هر چه بین آنهاست، and whatever lies in between them!



فَاعْبُدُهُ وَ اصْطَبِرُ لِعِبَادَتِهِ

پس باید همان خدای یکتا را پرستش کنی و البته در راه بندگی او صبر و تحمل کن (که اگر So serve Him and persevere in His worship.



اورا به خدایی نپرستی) آیا دیگری را مانند او به نام خدا (یی لایق پرستش) خواهی یافت؟ (۶۵)

Do you know of any other title for Him?" (65)



و انسان (بیچاره در امر معاد شک کند و) گوید: آیا چون من بمیرم Everyman says:



باز به زودی مرا از قبر بیرون آورده و زنده خواهند کرد؟! (۶۶) "When I die will I be brought forth alive [again]?" (66)

او لا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ

آیا آدمی (برای ایمان به معاد) متذکر آن نمی شود که اول که Does man not recall that We already created him



هیچ ِ محض و معدوم ِ صرف بود ما او را ایجاد کردیم؟ (۶۷) once when he was nothing? (67) قسم به خدای تو که البته آنها را با شیاطین در قیامت محشور می گردانیم، By your Lord, We shall summon both them and the devils;



آن گاه همه را احضار خواهیم کرد تا گرد آتش جهنم به زانو درآیند. (۶۸) then We shall parade them forth to crouch around Hell! (68)



سپس هر که عتو و سرکشی بر فرمان خدای مهربان بیشتر کرده Next We shall drag those away from every sect



یک یک را از هر فرقه بیرون آریم (تا به دوزخ درافکنیم). (۶۹) who have been the most insolent towards the Mercy-giving. (69) 🍐

ثُمُّ لَنَحُنُ أَعَلَمُ بِالنَّذِينَ

آن گاه ما آنهایی را که سزاوارتر به درآمدن Thus We are quite Aware as to who are



به آتش دوزخند بهتر می شناسیم. (۷۰) the closest to roasting in it; (70)

وَإِنْ مِنْكُمُ إِلَّا وَارِدُهَا وَ وَإِنْ مِنْكُمُ إِلَّا وَارِدُهَا عَلَيْهِ وَارِدُهَا عَلَيْهِ

و هیچ یک از شما (نوع بشر) باقی نماند جز آنکه there is not one of you but he will be led up to it.



به دوزخ وارد شود این حکم حتمی پروردگار توست. (۷۱) That is a decree determined by your Lord. (71)



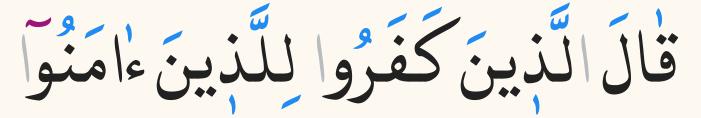
پس از ورود همه در دوزخ، ما افرادی را که خداترس و باتقوا بودهاند نجات Then We shall save those who have heeded



خواهیم داد و ستمکاران را فرو گذاریم تا در آن آتش به زانو درافتند. ($^{(YY)}$ and leave the wrongdoers crouching inside. ($^{(72)}$

وَ إِذَا تُتُلَّى عَلَيْهِمْ عَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ

و هرگاه (در فضیلت مؤمن برکافر) آیات واضحهٔ ما بر مردم تلاوت شود
Whenever Our clear signs are recited to them,



کافران (غنی و متکبر) به مؤمنان (در مقام مفاخره) گویند: those who disbelieve say to those who believe:

أَى الْفَرِيقِينِ خَيْرٌ مَقَامًا

کدام یک از ما دو فرقه مقاماتمان بهتر و مجلس "Which group is better in status



و انجمنمان نیکوتر خواهد بود؟ (۷۳) and a finer club to join?" (73)





در صورتی که ما پیش از این کافران چه گروههای بسیاری را که از اینها How many generations have We wiped out before them



داراتر و خوشتر بودند همه را هلاک گردانیدیم. (۷۴) who were even finer in equipment and appearance! (74)

قُلُ مَنْ كَانِ فِي الضَّالَالَةِ

بگو که هر کس که به راه کفر و ضلالت رفت SAY: "May the Mercy-giving extend an opportunity



خدای مهربان به او مهلت می دهد to anyone who has been in error



حَتَّى إذا رَاوًا

تا آن ساعت که وعدهٔ عذاب را به چشم خود ببینند so that when they see



که یا عذاب (قتل و اسیری) چشد یا ساعت قیامت وی را فرا رسد، what they are threatened with,

وَ إِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعُلَمُونَ مَنْ هُو

پس کافران به زودی خواهند دانست که (از مؤمن و کافر) whether it is torment or even the Hour, they will know



کدام یک روزگارش بدتر و سپاهش ضعیفتر است! (۷۵) who is in a worse plight and has the weakest following. (75)



وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدُوا هُدًى فَا وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدُوا هُدًى

و خدا هدایت یافتگان را بر هدایت میافزاید God increases guidance for those who have consented to be guided,



و اعمال صالحی که (اجرش نعمت) ابدی است while honorable deeds



نزد پروردگار تو بهتر (از مال و جاه فانی دنیا) است هم از جهت ثواب الهی that endure are best with your Lord as a recompense



و هم از جهت حسن عاقبت اخروی. (۷۶) and yield the best returns. (76)

اَ فَرَءَ يُتَ النَّذِي كَفَرَ بِعَايَاتِنَا

(ای رسول) دیدی حال آن کس را که به آیات ماکافر شد (مانند عاص بن وائل کافر) و (به Have you seen someone who disowns Our signs



خبّاب بن ارَت مؤمن به استهزاء و مسخره) گفت: من البته مال و فرزند بسیار (در بهشت هم) and says: "I shall still be given wealth and children"? (77)



خواهم داشت (و آنجا طلب تورا می دهم)؟! (۷۷) آیا بر عالم غیب آگاهی یافته یا از خدای Has he probed the Unseen



رحمن (برخود) عهدى گرفته است (كه در عالم آخرت هم داراى نعمت و ثروت باشد)؟ (٧٨) or made a pledge with the Mercy-giving? (78)

كلا سَنكتب ما يقول

هرگز چنین نیست، ما البته آنچه گوید Not at all! We shall write down anything



خواهیم نوشت و سخت بر عذابش خواهیم افزود. (۷۹) he says and extend a chance of torment to him; (79)

وَ نَرِثُهُ وَ مَا يَقُولُ

و آنچه (از مال و متاع و فرزند) که (به مفاخرت و غرور دائم) در گفتار داشت We will inherit anything he says,



ما وارث آن شویم و او بیکس و تنها به جانب ما بازآید. (۸۰) and he will come to Us as an individual. (80) و مشرکان، خدای یگانه را ترک گفته و خدایان باطل (مانند بتها و فراعنه)
They have adopted other deities instead of God,



را برای عزت و احترام دنیوی برگرفتند. (۸۱) so they will mean [more] influence for them. (81)

كلاً سَيكفُرُونَ بِعِبادَتِهِمُ

چنین نیست، بلکه به زودی پرستش آن خدایان باطل را انکار کنند Not at all! The [false gods] will reject their own worship



و به خصومت آنها برخیزند. (۸۲) and pit themselves against them. (82)



اَلَمْ تَرَانًا ارْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ

آیاندیدی که ما شیاطین را بر سرکافران فرستادیم تا سخت آنها را تحریک کنند Have you not seen how We send devils



(مبه وهم و خیالات باطل دنیا آنان را به گناه اندازند و از سعادت ابد محرومشان سازند) و به وهم و خیالات باطل دنیا آنان را به گناه اندازند و از سعادت ابد محرومشان سازند) (83) to disbelievers, to provoke them to fury?

فَلا تُعُجَلُ عَلَيْهِمُ

پس تعجیل در کار آنها مکن So do not act hasty towards them;



که ما حساب (روز و ساعت عذاب) آنان را کاملاً در نظر داریم. (۸۴)

We are only counting out so much [time] for them. (84)

يَوْمَ نَحُشُرُ الْمُتَقِينَ

(یاد آور) روزی که متقیان را به سوی خدای مهربان Some day We shall summon the heedful in a delegation



به اجتماع محشور گردانیم. (۸۵) before the Mercy-giving, (85)





و بدکاران را تشنه لب and drive criminals



به سوی آتش دوزخ برانیم. (۸۶) in a drove towards Hell. (86)



لا يُمُلكُونَ الشَّفاعَةُ

در آن روز هیچ کس مالک شفاعت نباشد مگر کسی که (به پرستش حق) They will possess no power of intercession except for someone



از خدای مهربان عهدنامهٔ (توحید کامل و شفاعت) دریافته است. (۸۷) who has already accepted a pledge from the Mercy-giving. (87)



و کافران گفتند که خدای رحمان فرزند برگرفته! (۸۸) They say: "The Mercy-giving has adopted a son! (88)



(ای کافران) همانا شما سخنی بسیار زشت و منکر بر زبان آوردید. (۸۹)

You have brought up something monstrous! (89)

تَكَادُ السَّمْوَاتُ يَتَفَطَّرُنَ مِنْهُ

نزدیک است از این گفتهٔ زشت و عقیدهٔ باطل آسمانها The heavens almost burst apart from it, while the earth splits



از هم فرو ریزد و زمین بشکافد و کوهها متلاشی گردد. (۹۰) open and the mountains fall down with a crash (90)





چراکه برای خدای مهربان، فرزندی (مسیح و عزیر و ملایک را) دعوی کردند. (۹۱) در صورتی that anyone should ascribe a son to the Mercy-giving! (91)



که هرگز خدای رحمن را (که منزه از مثل و مانند است) فرزند داشتن سزاوار نخواهد بود. (۹۲)

It is not proper for the Mercy-giving to adopt a son. (92)

بلکه هیچ موجودی در آسمانها و زمین نیست Everyone who is in Heaven and Earth comes



جز اینکه خدا را بندهٔ فرمانبردار است. (۹۳) to the Mercy-giving merely as a servant; (93)



محقّقاً او به شمارهٔ همهٔ موجودات کاملاً آگاه است. (۹۴) He numbers them and counts them up. (94)

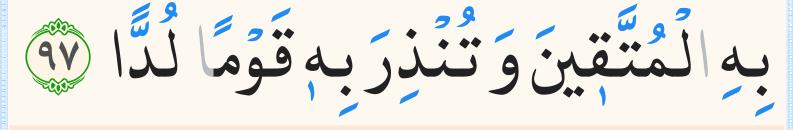


و تمام آنها روز قیامت منفرد و تنها به پیشگاه حضرتش حضور مییابند. (۹۵) Each of them is coming to Him on Resurrection Day as an individual. (95) همانا آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند The Mercy-giving will grant affection to those



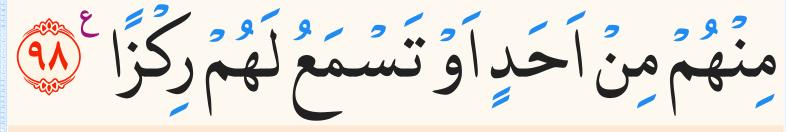
خدای رحمان آنها را (در نظر خلق و حق) محبوب می گرداند. (۹۶) who believe and perform honorable deeds. (96) فَإِنَّمَا يَسْرُنَاهُ بِلسَّانِكَ لِتُبَشِّرَ

ما حقایق این قرآن را بی تردید به زبان تو سهل و آسان کردیم تا به آن، We have made it easy for your tongue so you may announce good news about



اهل تقوا را بشارت دهی و معاندان لجوج را بترسانی. (۹۷) it to those who do their duty, and warn headstrong folk by means of it. (97) وَكُمْ اَهْ لَكُنَا قَبُلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلَ يُحِسُّ

و چه بسیاراقوامی از اهل عناد را که پیش از این معاندین، هلاک ساختیم! آیا چشم تو How many generations have We wiped out before them? Do you find

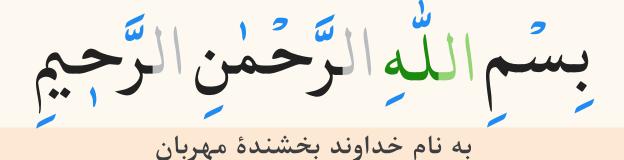


به احدی از آنها دیگر خواهد افتاد؟ یا کمترین صدایی از آنان خواهی شنید؟ (۹۸) any trace of even one of them, or hear a murmur from them? (98) \Diamond



سوره ۲۰ – ۱۳۵ آیه – مکی

Surah 20: (Taha)



In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



ه طه ١٠٠٠ ما ١٠٠١ أنزلنا

طه (ای مشتاق حق و هادی خلق). (۱) ما قرآن را از آن بر تو نازل نکردیم که (از T.H. (1) We have not sent the Qur'an



کثرت عبادت خدا و جهد و کوشش در هدایت خلق) خویشتن را به رنج درافکنی. (۲) down to you in order to upset you, (2)

الاتذكرة لمن يخشى شتزبلاممن

تنها غرض از نزول قرآن آن است که مردم خداترس را متذکر و بیدار سازی. (۳) but only as a Reminder for someone who acts cautiously; (3) [it is] a



این کتاب بزرگ، فرستادهٔ آن کسی است که زمین و آسمانهای بلند را آفرید. (4) revelation from the One Who created the earth and the highest heavens, (4)



آن خدای مهربانی که بر عرش (عالم وجود و کلیهٔ جهان آفرینش به علم و the Mercy-giving [Who is] settled on the Throne. (5)



قدرت) مستولی و محیط است. (۵) هر چه در آسمانها و زمین He owns whatever is in Heaven and whatever is on Earth,

وَ مَا بَيْنَهُمَا

و بین آنها و زیر کرهٔ خاک as well as whatever lies in between them,



موجود است همه ملک اوست. (۶) and what lies underneath the sod. (6)



وَإِنْ تَجْهَرُ بِالْقُولِ

و اگر به آواز بلند یا آهسته سخن گویی (یکسان است که)

No matter whether you speak out loud, He still knows



(۷) همانا خدا بر نهان و مخفی ترین امور جهان کاملاً آگاه است. (۷) your secrets and what is even more suppressed. (7)

الله لآ اله الأهو

به جز خدای یکتا که همهٔ اسماء God, there is no deity except Him!



و صفات نیکو مخصوص اوست خدایی نیست. (۸) His are the Finest Names! (8)





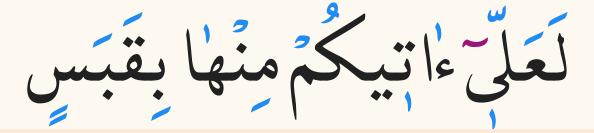
و آیا داستان موسی به تو رسیده است؟ (۹) Has Moses' story ever reached you? (9)



آن گاه که آتشی مشاهده کرد و به اهل بیت خود (که دربیابان سرد به آتش محتاج Once he saw a fire and told his family: "Wait here;

اِنِي عَانَسَتُ نَارًا

بودند) گفت: اندکی مکث کنید که از دور آتشی به چشم دیدم، I have glimpsed a fire.



باشد که یا پارهای از آن آتش بر شما بیاورم Maybe I can bring you a live coal from it,





یا از آن (به جایی) راه یابم. (۱۰) چون موسی به آن آتش نزدیک شد or find some guidance at the fire." (10)



(در میان درختی آتشی روشن دید و از آنجا) ندا شد که ای موسی، (۱۱)

As he came up to it, [a voice] called out: "Moses, (11)

اني آنا ربك فاخلع نعليك

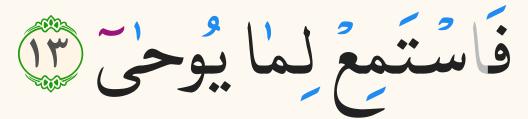
منم پروردگار تو، نعلین (همهٔ علایق غیر مرا) از خود به دور کن I am your Lord! Take off your sandals;



که اکنون در وادی مقدس طوٰی (و مقام قرب ما) قدم نهاده ای. (۱۲) you are in the sacred valley of Tuwa. (12)

وَ أَنَا اخْتَرْتُكُ وَ

و من تو را (به رسالت خود) برگزیدم، I have chosen you,



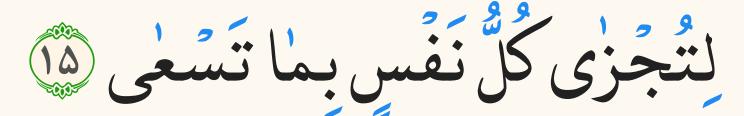
در این صورت به سخن وحی گوش فرا ده. (۱۳) so listen to whatever is revealed: (13) منم خدای یکتا که هیچ خدایی جز من نیست، پس مرا (به یگانگی) بپرست I am God [Alone]! There is no deity except Myself, so serve Me



و نماز را مخصوصاً برای یاد من به پادار. (۱۴) and keep up prayer to remember Me by. (14)

إنّ السّاعة عاتِية أكادُ أخفيها

و محققاً ساعت قیامت خواهد رسید و من خواهم که آن ساعت را پنهان دارم The Hour is coming! I am keeping it hidden so that each soul



تا (مردم آزمایش شوند و) هر نفسی به پاداش اعمالش در (آن روز) برسد. (۱۵)

may be rewarded for whatever it accomplishes. (15)

پس زنهار مردمی که به قیامت ایمان ندارند و پیرو هوای نفسند تو را از یاد So do not let anyone who does not believe in it and follows his own



آن (روز هولناک) بازندارند و غافل نکنند وگرنه هلاک خواهی شد. (۱۶) passion, bar you from it so that you perish! (16)



و ای موسی، اینک بازگو تا چه به دست راست داری؟ (۱۷) What do you have in your right hand, Moses ?" (17)



موسی عرضه داشت: این عصای من است که بر آن تکیه میزنم He said: "It is my staff. I lean on it,

وَ اهْشُ بِهَا عَلَىٰ غَنْمِى

و با آن از درختان برگوسفندانم برگ میریزم و حوائجی دیگر and beat down fodder for my sheep and goats with it;



(چون مدد راه رفتن و دفع دشمن و غیره) نیز به آن انجام می دهم. (۱۸) and I have still other uses for it." (18)



خدا فرمود: ای موسی این عصا بیفکن. (۱۹) موسی چون آن را He said: "Toss it down, Moses." (19) So he threw it down,



به زمین افکند عصا اژدهایی مهیب شد که (به هر سو) می شتافت. (۲۰) and just imagine, it became a snake that crawled along! (20)

قَالَ خُذُهَا وَ لَا تَخَفَّ فَالَ خُذُها وَ لَا تَخَفَّ

باز (حضرت احدیت) فرمود: عصا را برگیر و از آن مترس He said: "Pick it up, and do not be afraid.



که ما آن را به حالت اولش برمی گردانیم. (۲۱) We shall return it to its original shape. (21) و دست به زیر بغل خود بر تا دستی بی هیچ عیب، سپید And stick your hand under your armpit: it will come out



و رخشان بیرون آید و این معجزهٔ دیگر تو خواهد بود. (۲۲) white without [showing] any blemish, as another sign (22) تا باز هم از آیات بزرگ خود به تو ارائه دهیم. (۲۳) So that We may show you some of Our greatest signs! (23)



اینک (به رسالت) به جانب فرعون روانه شو که وی سخت طغیان کرده است. (۲۴)

Go to Pharaoh; he has been so arrogant." (24)



موسی عرضه داشت: پروردگارا، شرح صدرم عطا فرما (که از جفا و آزار مردم He said: "My Lord, ease my breast for me! (25)



تنگدل نشوم). (۲۵) و کار مرا برایم آسان گردان. (۲۶) Make my affair easier for me, (26)



و عقده را از زبانم بگشا. (۲۷) and loose a knot from my tongue (27)



تا مردم سخنم را نیکو فهم کنند. (۲۸) So they may understand whatever I say. (28)





و نیز از اهل بیت من یکی را وزیر و معاون من فرما. (۲۹) Grant me a helpmate from my own people, (29)



برادرم هارون را (وزیر من گردان). (۳۰) پشت مرا به او محکم کن. (۳۱) Aaron, my brother. (30) "Back me up by means of him (31)

6



و او را در امر (رسالت با) من شریک ساز. (۳۲) and let him share in my affair (32)



تا دائم به ستایش و سپاس تو پردازیم. (۳۳) so that we may glorify You frequently (33)





و تو را بسیار یاد کنیم. (۳۴) and mention You often, (34)



که همانا بس تویی بصیر به احوال ما. (۳۵) since You have been Observant of us." (35)





پروردگار فرمود: ای موسی آنچه از ما خواستی همه به تو اعطا گردید. (۳۶) He said: "You have been granted your request, Moses. (36)



و همانا ما بر تو بار دیگر نیز منّت بزرگی نهادیم. (۳۷) We endowed you another time (37)



آن هنگام که (برای حفظ جان تو از بلای فرعونیان) به مادرت وحی مهمی when We revealed whatever was revealed to your mother: (38)



نمودیم. (۳۸) که کودک خود را در صندوقی گذار 'Cast him into the chest,

فَاقْذِ فِيهِ فِي الْيُمْ فَلَيْلُقِهِ الْيُمْ

و به دریا افکن و باید که امواج دریا کودک را به ساحل and toss it into the river. The current will throw him up on the shore

بالساحل يأخذه عدولي وعدوله

رساند تا دشمن من و آن طفل (یعنی فرعون) از دریا طفل را برگیرد where an enemy of Mine as well as an enemy of his will pick him up

وَ الْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي

و من به لطف خود از تو بر دلها (ی دشمن و دوست) محبت افکندم (تا تو "I have lavished love of My own on you



را دوست بدارند) و تا تربیت و پرورشت زیر نظر من انجام گیرد. (۳۹) so that you might be made into My darling. (39) اِذْ تَمْشِي أَخْتُكُ فَتَقُولُ هَلُ أَدُلُكُمْ

آن گاه که (ازمادر دورافتادی) خواهرت (در پی تو) روان بود (تا تو را نزد فرعونیان یافت) و So your sister was walking along, and said: 'Shall I lead you

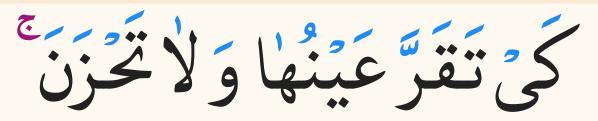
عَلَىٰ مُرَدُّ يَكُفُلُهُ وَ وَ

می گفت: می خواهیدیکی را که (شیرو تربیت) این طفل را تکفل کند به شما معرفی کنم؟

to someone who will take care of him?'

فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ

پس ما (بدین وسیله) تو را به مادرت برگردانیدیم Thus We returned you to your mother



تا به دیدار تو دیده اش روشن گردد و دیگر اندوه نخورد. to comfort her and so she would not feel so sad.



وَ قَتُلُتُ نَفْسًا

و (باز منّت دیگر آنکه) یک نفر (از فرعونیان) را کُشتی و ما از غم آن نیز You killed a soul"

فنجيناك من الغم و فتناك فتونًا

and We saved you from grief. We tested you severely,

تو را نجات دادیم و بارها تو را به امتحان و ابتلای سخت بیازمودیم،

فَلَبِثُتُ سِنِينَ فِي أَهُلِ مَدُينَ

پس چند سالی در میان مردم مدین زیستی and you stayed among the people of Midian for years.



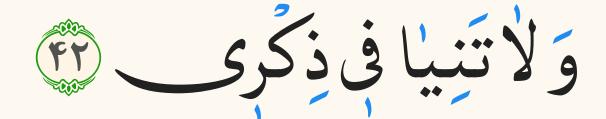
تا آنکه حال ای موسی به موقع آمدی (تا به مقام نبوت برسی). (۴۰) Then you came just as fate [decreed], Moses. (40)



و تو را برای (مقام رسالت و محبت) خود پروردم. (۴۱) I have produced you for Myself. (41)



اکنون تو و برادرت با معجزات و آیاتی که به شما دادم (از پی رسالت خود) بروید Take My signs away, both you and your brother,



و سستی در ذکر من (در نزد فرعون) روا مدارید. (۴۲) and do not neglect to mention Me. (42)



بروید به سوی فرعون که او سخت به راه طغیان شتافته است. (۴۳) Go to Pharaoh; he has been so arrogant. (43)

فَقُولًا لَهُ وَقُولًا لَيْنًا

و با او کمال آرامی و نرمی سخن گویید، Speak a soft word to him



باشد که متذکر شود یا (از خدا) بترسد (و ترک ظلم کند). (۴۴) so that he may be reminded or even feel afraid." (44)

قالاربنا إنّنا نخافُ أنْ يَفُرُطُ عَلَيْناً

موسی و هارون عرض کردند: بارالها، می ترسیم که فرعون بی درنگ بر ما They both said: "Our Lord, we fear lest he crack down on us



ظلم و عقوبت کند یا بر کفر و سرکشی خود بیفزاید. (۴۵) or that he should act arrogant." (45)

قال لا تخافا

خدا فرمود: هیچ نترسید He said: "Do not fear;



فَأْتِياهُ فَقُولًا إِنَّا رَسُولًا رَبِّكَ فَأَرْسِلُ

اینک هر دو به جانب فرعون رفته و بگویید که ما دو رسول پروردگار توایم،

Go to him and say: 'We are both messengers from your Lord.

مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلاَ تُعَذِّبُهُمْ

پس بنی اسرائیل را با ما فرست و (بیش از این) عذاب به آنها نکن، Send the Children of Israel away with us and do not torment them. که همانا ما با آیت و معجزهای از جانب خدای آفرینندهٔ تو نزد تو آمدهایم، We have brought you a sign from your Lord,



و سلام (حق) بر آن کس که طریق هدایت را پیروی کند. (۴۷) and may " Peace be upon whoever follows guidance ." (47)

إِنَّا قَدْ أُوحِى إِلَيْنَا آنَ الْعَذَابَ

به ما چنین وحی شده که همانا عذاب (سخت خدا) بر آن کس است As for us, it has been revealed to us that torment is due anyone



که (خدا و رسولانش را) تکذیب کند و (از حق) روی بگرداند. (۴۸) who says it is a lie and turns away!"' (48)



فرعون گفت: ای موسی، خدای شما کیست؟ (۴۹) He said; "Who is Lord for both of you, Moses?" (49)



موسی پاسخ داد که خدای ما آن کسی است که همهٔ موجودات عالم را He said: "Our Lord is the One نعمت وجود خاص خودش بخشیده و سپس (به راه کمالش) هدایت کرده است. (۵۰)
Who has given everything its own constitution; then guided it." (50)



فرعون گفت: پس حال اقوام سلف (که خداشناس و خداپرست نبودند) چیست؟ (۵۱)

He said: "So what was the attitude during earlier centuries?" (51) 🕒

قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِي فِي كِتَابِ

موسى پاسخ داد كه احوالشان به علم ازلى خداى من در كتاب (لوح محفوظ)
He said: "Knowledge concerning them rests in a Book with my Lord.



ثبت است هرگز از حال احدی، خدای مرا خطا و فراموشی نیست. (۵۲) My Lord neither misses anything, nor does He forget, (52) أَلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضِ مَهَدًا

همان خدایی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد [since he is the One] Who has laid out the earth as a carpet for you



و در آن راهها برای شما پدید آورد and has traced highways on it for you, وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجُنَا بِهُ

و هم از آسمان آب نازل کرد تا به آن آب آسمانی and sent down water from the sky. We have brought forth



انواع نباتات مختلف از زمین برویانیدیم. (۵۳) every sort of plant with it, of various types. (53)

كُلُوا وَ ارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ

شما از آن نعمتها تناول کنید و چهارپایانتان را هم بچرانید، Eat and pasture your livestock [on it];



که همانا در این کار آیاتی (از ربوبیت) برای خردمندان پدیدار است. (۵۴) in that are signs for men of accomplishment. (54)

منها خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ

ما شما را هم از این خاک آفریدیم و هم به این خاک بازمی گردانیم "From it We have created you and We will return you to it,



و هم بار دیگر (روز قیامت) از این خاک بیرون می آوریم. (۵۵) and from it shall We bring you forth for another chance." (55)

وَ لَقَدُ ارَيْنَاهُ عَايَاتِنَا كُلُّهَا

و همانا ما به فرعون (به واسطهٔ موسی) همهٔ آیات روشن خود را نمودیم Yet We showed him all Our signs,



و او همه را تكذيب كرد و از آنها سرباز زد. (۵۶) and he said they were lies and rejected them! (56) فرعون گفت: ای موسی، تو آمده ای به طمع آنکه ما را از کشورمان He said: "Have you come to us to turn us out of our land



به سحر و شعبدهٔ خود بیرون کنی؟ (۵۷) through your magic, Moses? (57)

فَلْنَاتِينَاكِ بِسِحُرِمِثُلِهِ

ما هم در مقابل سحر تو سحرى البته خواهيم آورد We will bring magic to match it,

فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُ مَوْعِدًا

پس میان ما و خودت موعدی معین کن so make an appointment between us





که بی آنکه هیچ یک از ما خلف وعده کنیم and you in some convenient place



در سرزمین مسطحی (که خلایق ببینند، برای سحر و ساحری) مهیا شویم. (۵۸) هhich neither we nor you will break." (58)



موسی گفت: وعدهٔ ما و شما روز زینت (یعنی روز عید قبطیان) باشد He said: "Your appointment will be on Decoration Day



و مردم پیش از ظهر (به موعد برای مشاهده) همه گرد آورده شوند. (۵۹) so that people may be summoned early in the morning." (59)



آن گاه فرعون (از موسی) رو گردانید و به تدبیر جمع آوری سحر So Pharaoh turned away

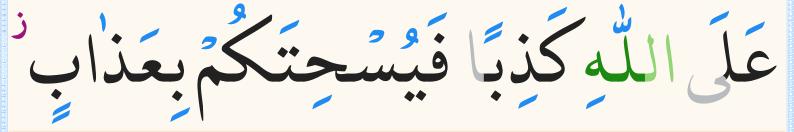


و ساحران پرداخت، سپس (با ساحران بسیار به وعدهگاه) آمد. (۶۰) and put his plan together; then he came [back]. (60)

قَالَ لَهُمُ مُوسَى وَيُلَكُمُ لَا تَفْتَرُوا

موسی ساحران را گفت: وای بر شما! زنهار بر خدا (به سحر)

Moses told them: "Watch out for yourselves! Don't invent



دروغ مبندید که به عذابی بنیاد شما را بر باد هلاک دهد، any lie about God lest He blot you out through torment.



و هر کس به خدا افترا بست سخت زیانکار شد. (۶۱) Anyone who invents things will be disappointed." (61)



پس آنها در کارشان به گفت و شنید پرداختند و (در نتیجه گفتند They debated their case among themselves



که کار موسی سحر و ساحری نیست ولی) راز خود را پنهان داشتند. (۶۲) and kept the discussion secret. (62)



فرعونیان گفتند: این دو تن (موسی و هارون) دو ساحرند که میخواهند They said: "These are both magicians who want ان يُخْرِجاكُمْ مِنْ ارْضِكُمْ بِسِحُرِهِمَا انْ يُخْرِجاكُمْ مِنْ ارْضِكُمْ بِسِحُرِهِمَا

به سحرانگیزی خود، شما مردم را از سرزمین خود بیرون کنند to expel you from your land by means of their magic,



و طریقهٔ نیکوی شما را (که اطاعت فرعون است) از میان ببرند. (۶۳) and do away with your exemplary ways. (63) فَأَجُمعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًا جُهُمْ فَا حُمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًا جُهُمْ

پس (ای ساحران) باید شما با هر مکرو تدبیری توانید مهیا شده و (مقابل این دو ساحر)

Get together for your scheme; then come all lined up.



صف آرایی کنید، که امروز آن کس که غلبه و برتری یابد محققاً او فیروزی یافته است. (۴۴)

Whoever comes out on top today will prosper! (64)

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا آنِ تُلُقِى أَنَّا أُن تُلُقِى

ساحران گفتند: ای موسی تو نخست They said: "Moses, either you will cast [something]



به کار خواهی پرداخت یا ما اول بساط خود بیفکنیم؟ (۶۵) or shall we be the first to cast [a spell]?" (65)

فال بَلُ النَّفُوا دُ

موسى گفت: شما اول بساط خود درافكنيد، He said: "Rather you throw [first]."



(آنها بساط خویش افکندند) که ناگاه در اثر سحر آنان You should have seen their ropes and rods!





رَسَنها و چوبهاشان پنداشتی در نظر به جنبش و رفتار آمد. (۶۶) It appeared to him as if they were moving around



درآن حال موسى در دل خويش سخت بترسيد (كه مبادا امربر مردم مشتبه شود و ميان because of their magic, (66)



سحرساحران با معجز موسى فرق نگذارند و حجت او بر خلق آشكار نگردد). (٤٧) So Moses conceived a fear within himself. (67)



ما گفتیم: مترس که تو البته همیشه غلبه و برتری خواهی داشت. (۶۸)

We said: "Do not act afraid: you will come out on top! (68)

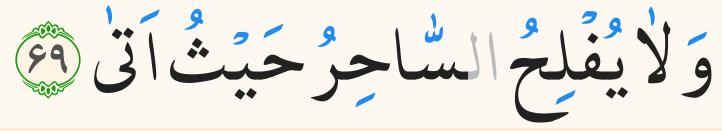
وَ النِّي ما في يَمينِكَ

و اینک عصایی که در دست داری بیفکن Throw down what is in your right hand

تا (اژدها شود و یکباره) بساط سحر و ساحری اینان را فرو بلعد، so it will swallow up anything they have produced.

إنَّما صَنعُوا كَيْدُ سَاحِرِ

که کار اینان حیلهٔ ساحری بیش نیست What they have produced is only some magician's trick,



و ساحر هر جا رود (و هر چه کند) هرگز فلاح و فیروزی نخواهد یافت. (۶۹)
and no magician succeeds no matter where he goes." (69)

فَأَلْقِي السَّحَرَةُ سُجِدًا

پس همهٔ ساحران به سجده افتاده So the magicians threw themselves down on their knees.



و گفتند: ما به خدای موسی و هارون ایمان آوردیم. (۷۰)

They said: "We believe in the Lord of Aaron and Moses." (70)

قَالَ عَامَنَتُمْ لَهُ وَقَبَلَ أَنْ عَاذَنَ لَكُمْ ذَا

فرعون گفت: شما چرا پیش از آنکه من اجازه دهم به موسی ایمان آوردید؟ He said: "Have you believed in Him before I permit you to?

اِنّهُ وَلَكِيرُكُمُ النَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحُرَ

معلوم است که او در سحر، معلم شما بوده، He must be your chief who has taught you magic!

فَلَا فَطِعَنَّ آيُدِيكُمْ وَ ارْجُلَكُمْ

باری من شما را دست و پا I'll cut your hands and feet off



بر خلاف یکدیگر میبرم on opposite sides,



وَ لَأُصَلِّبَنَّكُمُ فِي جُذُوعِ النَّخُلِ

و بر تنهٔ نخلهای خرما به دار می آویزم and have you crucified on the trunks of datepalms, so you may know

و لَتَعُلَمُنَ آينا آشَدْ عَذَابًا وَ اَبْقَى ﴿

و خواهید دانست که عذاب (من و موسی) کدام سخت تر و پاینده تر است. (۷۱) which of us is harsher with torment and going to last longer." (71) \Diamond

قَالُوا لَنَ نُؤْثِرُكَ عَلَى مَا جَاءَنَا

ساحران به فرعون پاسخ دادند که ما تو را هرگز بر این معجزات آشکار They said: "We will never choose you before explanations have

مِنَ الْبَيْنَاتِ وَ النَّذِي فَطَرَنَا وَ النَّذِي فَطَرَنَا وَ

که به ما آمده و بر خدایی که ما را آفریده مقدم نخواهیم داشت، come to us nor ahead of the One Who originated us.

فَاقْضِ مَا آنْتُ قَاضِ

پس در حق ما هر چه توانی بکن Decide anything you may decide; you are no judge:



که هر ظلمی کنی همین حیات دو روزهٔ دنیاست. (۷۲) You will only decide during this worldly life. (72) ما به راستی به خدای خود ایمان آوردیم تا از خطاهای ما درگذرد We believe in our Lord, so He may forgive us our mistakes

وَ مَا آكْرَهُتنا عَلَيْهِ مِنَ السِّحُرِ

و گناه سحری که تو ما را به اجبار بر آن داشتی ببخشد، as well as for any magic you have compelled us to perform.



و (لطف و مغفرت) خدا بهتر و پاینده تر (از حیات فانی دنیا) است. (۷۳) God is Better and more Enduring." (73)



که همانا هر کس به خدای خود طاغی و گنهکار وارد شود Anyone who comes to his Lord as a criminal



جزاء او جهنّم است که در آنجا نه بمیرد will have HELL [as his reward];



(۲۴) (تا از عذاب برهد) و نه زنده شود (که از لذت زندگی برخوردار باشد). (۲۴) he will neither die in it, nor yet will he live [a decent life]. (74) 🄞

و هر کس به خدای خود مؤمن باشد و با اعمال صالح بر او وارد شود Whoever comes to Him as a believer has performed



اجر آنها هم عالى ترين درجات بهشتى است. (٧۵) honorable deeds; those will have the highest ranks, (75) جَنَّاتُ عَدْنِ نَجُرى مِنْ تَحْتِهَا الْانْهَارُ

آن بهشتهای عدنی که دائم زیر درختانش نهرها جاری است the gardens of Eden through which rivers flow,



و تا ابد در آنجا (از نعمت و حیات، برخوردار) هستند to live in for ever.



و آن بهشت پاداش کسی است That will be



که خود را (از کفر و عصیان و شرک و طغیان) پاک و پاکیزه گرداند. (۷۶) the reward for anyone who becomes purified. (76)

وَ لَقَدُ اَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى

و همانا به موسی وحی کردیم که بندگان (مؤمن) مرا We inspired Moses [as follows]: "Travel with



شبانه (از شهر مصر) بیرون بر، My servants at night



فَاضْرِبُ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبُحْرِيبُسُّا

و (به اعجاز و لطف ما) راهی خشک از میان دریا بر آنها یدید آور که نه از تعقیب and open up a dry road through the sea for them.



و رسیدن فرعونیان ترسناک باشی و نه (از غرق شدن) اندیشه داری. (۷۷) Do not fear being overtaken nor dread anything." (77)



و فرعون با سپاهش از پی آنها تاختند Pharaoh had them pursued by his troops,



پس موج دریا چنان آنها را فرو برد که از آنان اثری باقی نگذاشت. (۷۸) and the flood overwhelmed them as only it could overwhelm them. (78)

وَ أَضُلُ فِرْعُورُ فَوَمُهُ وَ

و فرعون پیروان خود را علاوه بر اینکه هدایت نکرد Pharaoh led his folk astray



سخت به ضلالت و بدبختی افکند. (۷۹) and did not guide [them]. (79)



ای بنی اسرائیل، محققاً ما شما را Children of Israel,



از شر دشمن نجات دادیم و با شما در جانب راست کوه طور We saved you from your enemy



وَ وَاعَدُنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْآيَمَنَ

وعده نهادیم (تا به مناجات موسی کلام حق را بشنوید) و (در بیابان که and made an appointment for you on the right side of the Mountain,



سرگردان شدید) برای قوت شما ترنجبین و مرغ بریان فرستادیم. (۸۰) and sent down manna and quail for you. (80)

كُلُوا مِنْ طَيّباتِ مَا رَزَقْنَاكُمُ

(و دستور دادیم که) از این رزق حلال و پاکیزه که نصیبتان کردیم تناول کنید Eat some of the wholesome things We have provided you with

و لا تطغوا فيه

و در آن (به کفر نعمت و ترک شکرگزاری) طغیان و سرکشی مکنید and do not act arrogantly while doing so,

وگرنه مستحق غضب و خشم من می شوید، و هر کس مستوجب lest My anger light upon you; anyone My anger



خشم من گردید همانا خوار و هلاک خواهد شد. (۸۱) lights upon will surely collapse. (81)

وَ إِنَّى لَغُفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَعَامَنَ

و البته بر آن کس که (از کفر) توبه کند و (به خدا) ایمان آرد و نکوکار گردد Yet I am quite Forgiving towards anyone who turns (in repentance)



و درست به راه هدایت رود مغفرت و آمرزش من بسیار است. (۸۲) and believes, and acts honorably; then he will be guided." (82)

«وَ مَا آعُجَلُكَ *

و ای موسی بازگو که بر قومت "Whatever made you hurry away



چرا سبقت گرفته و با شتاب به وعده گاه آمدی؟ (۸۳) from your people, Moses?" (83)

قَالَ هُمُ أُولاءِ عَلَى آثرى

موسى عرضه داشت: هم اينك قوم از پى من هستند He said: "They were close upon my tracks, while I have hastened



و من خود برای خشنودی تو تعجیل کرده و بر آنها تقدم جستم. (۸۴) to You, my Lord, so You may feel pleased." (84) خدا فرمود: همانا ما قوم تو را پس از آمدن تو آزمایش کردیم He said: "We have tested your folk in your absence



و سامری آنان را گمراه کرد. (۸۵) and the Samaritan has led them astray." (85)

فَرَجَعَ مُوسِى إلى قُومِهِ

موسی (که از فتنهٔ سامری آگاه شد) متأسف و غضبناک Moses returned to his people

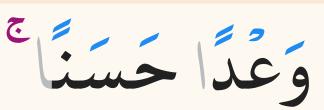


به سوی قوم بازگشت angry, sorrowful.





و گفت: ای قوم من، مگر خدای شما به شما وعدهٔ احسان نداد He said: "My folk, did your Lord not make you



(که شما را نعمت کتاب بزرگ تورات عطا کند)؟ a handsome promise?



أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهَدُ أَمُ ارْدُتُمُ

آیا وعدهٔ خدا بر شما طولانی شد، یا مایل شدید که Did the agreement seem too long in reaching you,



مستوجب قهر و غضب خدای خود شوید، or did you want anger from your Lord to settle upon you,





که وعدهٔ مرا خلاف کردید (و عهد من شکستید)؟ (۸۶) so that you broke the appointment to meet Me?" (86)



قوم به موسی گفتند: ما به میل و اختیار خود خلاف وعدهٔ تو نکردیم They said: "We did not break your appointment of our own accord, &

وَ لَكِنَّا حُمِلْنَا حُمِلْنَا

و لیکن اسباب تجمل but we had to carry loads



و زینت بسیاری (از فرعونیان) بار دوش ما نهادند of the people's ornaments



فقذفناها

و ما آنها را در آتش افکندیم and toss them [into a furnace].



و چنین سامری (فتنهانگیز بر ما) القا کرد. (۸۷) That is what the Samaritan suggested." (87)

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلاً جَسَدًا

آن گاه سامری با آن زر و زیورها مجسّمهٔ گوساله ای بساخت He produced a calf for them in the shape of a body



که صدایی شگفت داشت that mooed.





و (با این شعبده سامری و پیروانش) گفتند: خدای شما و خدای موسی They said: "This is your god, the god of Moses;



همین گوساله است که موسی فراموش کرده است. (۸۸) he has forgotten [it]." (88)

اَ فَلا يَرُونَ الْا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا

آیا این گوساله پرستان نمی نگرند که آن گوساله هیچ حرف و اثری Did they not consider it would not talk back to them,

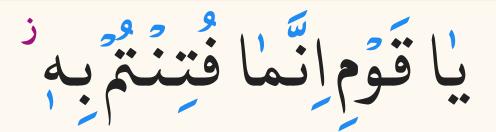


و هیچ خیر و شری به آنها عاید نمی سازد؟ (۸۹) nor control any harm or advantage for them? (89)



وَ لَقَدُ قَالَ لَهُمُ هُرُونُ مِنْ قَبُلُ عَالَ لَهُمُ هُرُونُ مِنْ قَبُلُ

و هارون هم پیش از آنکه موسی باز آید به آنان گفت: Now Aaron had already told them:



ای قوم، این گوساله اسباب فتنه و امتحان شما گردیده "My people, you are only being tested by means of it.



و محققاً آفرینندهٔ شما خدای مهربان است (نه این گوسالهٔ سامری) پس Your Lord is the Mercy-giving, so follow me



(۹۰) شما پیرو من شوید و امر مرا فرمان برید. (۹۰) and obey my command!" (90)

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ

قوم گفتند: ما بر این پرستش گوساله ثابت هستیم They said: "We will never quit being devoted to it



تا وقتی که موسی به سوی ما بازگردد. (۹۱) until Moses returns to us." (91)



قَالَ يَا هُرُورِ ثُ

موسی (چون بازگشت با عتاب به هارون) گفت: ای هارون He said: "Aaron,



مانع تو چه بود که چون دیدی که قوم گمراه شدند، (۹۲) what prevented you, when you saw they had strayed (92)



از پی من نیامدی؟ آیا نافرمانی امر من کردی؟! (۹۳) from having them follow me? Did you disobey my order?" (93)



هارون گفت: ای برادر مهربان (بر من قهر و عتاب مکن و) سر He said: "My (blood) brother, do not seize me by my beard





و ریش من مگیر، ترسیدم بگویی nor by my head! I dreaded you would say:



تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی 'You have brought dissension to the Children of Israel





و به سخنم وقعی ننهادی. (۹۴) and did not observe what I said.''' (94)



آن گاه موسی گفت: ای سامری این فتنه چه بود که تو برپا کردی؟ (۹۵)

He said: "What have you been trying to do, O Samaritan?" (95)

قَالَ بَصُرُتُ بِمَا لَمُ يَبْصُرُوا بِه

سامری گفت: من چیزی را دیدم که قوم ندیدند، He said: "I noticed something they do not notice,



من مشتی خاک از اثر قدم رسول (حق، جبرئیل) برگرفته so I snatched a handful from the messenger's footprints



فنبذتها

و (در گوساله) ریختم and flung it away.



و نفس من چنین (فتنهانگیزی را) به نظرم جلوه داد. (۹۶) Thus my soul has lured me on." (96)



موسی گفت: از میان ما برو که تو در زندگانی دنیا (به مرضی معذب خواهی He said: "Go away! During your lifetime



شد که همه از تو متنفر شوند و) دایم گویی کسی مرا نزدیک نشود، you will say: 'Don't touch [me]!' وَإِنْ لَكَ مُوْعِدًا لَنْ نَخَلَفُهُ وَ وَانْظُرُ

و (در آخرت) هم وعده گاهی (در دوزخ) داری که با تو تخلف نخواهد شد، You have an appointment [for your torment] which will not be broken.

الى الهك الذي ظلَّت عَلَيْهِ عَاكِفًا

و اکنون این خدایت را که بر پرستش و خدمتش ایستادی بنگر Look at your god which you have become so devoted to:



که آن را در آتش می سوزانیم we shall burn it up,



و خاکسترش را به آب دریا می دهیم. (۹۷) then scatter its remains in the flood." (97)



إِنَّمَا اللَّهُ كُمُ اللَّهُ الَّذِي لِآ اِللَّهُ اللَّهُ الَّهُ هُوَ اللَّهُ اللّ

تنها خدای شما آن یگانه خدایی است که جز او هیچ خدایی نیست Your God is God [Alone]; there is no other deity than Him!



و علمش به همهٔ ذرات عوالم هستی محیط است. (۹۸) He is Vaster than everything in knowledge. (98) كذلك نقص عليك مِنْ أنْباء ما قَدْ

و ما اخبار گذشتگان دیگر را این چنین بر تو حکایت خواهیم کرد Thus We relate some news to you about what has occurred previously;

سَبق و قد اتبناك مِن لَدُنّا ذِكْرًا ﴿

و از نزد خود این ذکر (یعنی کتاب عظیمالشأن قرآن) را به تو عطا کردیم. (۹۹)
We have even brought you a Reminder from Our very presence. (99)



هر کس از این ذکر اعراض کند Anyone who evades it



روز قیامت بار سنگینی از گناه را به دوش خواهد داشت. (۱۰۰) will bear a burden on Resurrection Day (100)



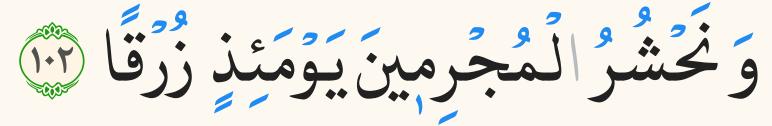
اینان در عذاب آن اعمال زشت مخلدند which he will remain with.



و سخت است بسی در قیامت، بار اعمال زشتی که به دوش گرفتهاند. (۱۰۱) \Diamond Evil will be such a load for them on Resurrection Day, (101)



روزی که در صور دمیده شود و (در آن روز) بدکاران را the day when the Trumpet shall be blown.



كبود چشم محشور كنيم (و چشم كبودشان نشانهٔ جرم خواهد بود). (۱۰۲)

We shall summon bleary-eyed criminals on that day. (102)



وآنها (ازهول وهراس آن روز) با یکدیگر آهسته زیر لب گویند که (ای افسوس) ده روزی بیش They will mutter to one another:



(درزندگی دنیا) **درنگ نکردید** (و نعمت ابدی بهشت را برای دنیای فانی از دست بدادید). (۱۰۳)

"Did you only stay away ten [days]?" (103)

نَحُنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ

ما به آنچه می گویند بهتر آگاهیم، که از آن بدکاران بهترو درست ترینشان به آنها خواهد گفت: شما

We are quite Aware of what they will say when the best behaved



روزی بیش درنگ نکردید (دریغا چه زود عمر در شهوت و معصیت بگذشت و جرم و عقابش بماند!) (۱۰۴) among them will say: "You have only stayed away a day!" (104)



و (ای رسول) از تو پرسند که کوهها (در روز قیامت) چه می شود؟ جواب ده که They will ask you about the mountains,



خدای من کوهها را چنان از بنیاد برکند که خاک شده و خاکش بر باد دهد. (۱۰۵) ه so SAY: "My Lord will crumble them into powder (105)



آن گاه پست و بلندیهای زمین را چنان هموار گرداند. (۱۰۶) and leave them as flat as a prairie. (106)



که در آن ابداً هیچ بلندی و پستی نخواهی دید. (۱۰۷) You will see no rough spots nor any unevenness on them. (107) 🍐 يَوْمَئِذِ يَتَبِعُونَ الدّاعِي لَا عِوْجَ لَهُ وَ الدّاعِي لَا عِوْجَ لَهُ وَ الدّاعِي لَا عِوْجَ لَهُ وَ الدّاعِي الدّ

درآن روز خلایق همه از پی کسی که آنها را به راه مستقیم به عرصهٔ قیامت دعوت کند
On that day they will follow the Crier who has no crookedness in him



(یعنی اسرافیل) ناچار خواهند رفت، و صداها پیش خدای رحمان خاشع و خاموش گردد و either; their voices will be hushed before the Mercy-giving ٠. ٣



که جز زیر لب و آهسته، صدایی نخواهی شنید. (۱۰۸) and you will hear only [people] shuffling past. (108)



در آن روز، شفاعت هیچ کس سود نبخشد On that day intercession will only benefit someone



الأمرة أذن له الرّحمن

جز آن کس که خدای رحمان به او رخصت شفاعت داده whom the Mercy-giving has permitted to enjoy it,



و سخنش را پسندیده باشد. (۱۰۹) and whose statement has pleased Him. (109)



يَعْلَمُ مَا بَيْنَ آيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

و خدا (به علم ازلی) بر همهٔ آینده و گذشتهٔ خلایق آگاه است He knows what lies in front of them and what is behind them,



و خلق را ابداً به او احاطه و آگاهی نیست. (۱۱۰) while they do not embrace any knowledge about Him. (110) ﴿ وَ عَنْتِ الْوَجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَبِّومِ الْوَجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَبِيُّومِ (٢٠٠

و بزرگان عالم همه در پیشگاه عزت آن خدای حی توانا ذلیل و خاضعند و (در Faces will seem downcast before the Living, the Eternal,



آن روز) هر که بار ظلم و ستم به دوش دارد سخت زبون و زیانکار است. (۱۱۱) and anyone who carries a load of harm will have blundered, (111) \Diamond

وَمَنْ يَعْمَلُ مِنَ الصَّالِحُاتِ وَهُو مُؤْمِنُ

و هر کس اعمالش نیکو است و (به خدا هم) ایمان دارد while anyone who has performed honorable deeds and is a believer



از هیچ ستم و آسیبی بیمناک نخواهد بود. (۱۱۲) will need fear no harm nor any injustice. (112)

و كذلك أنزلناه قرانًا عربيًا

و ما این گونه این (قرآن عظیم) را قرآنی با فصاحت کامل عربی بر تو فرستادیم Thus We have sent it down as an Arabic reading



و در آن وعدهها و اهوال قیامت را به انواع گوناگون تذکر دادیم، and set forth some of the Threat in it



باشد که مردم پرهیزکار شوند so that they may do their duty,



یا پندی از نو بر ایشان آورد. (۱۱۳) or so it will arouse them to remember. (113)



فَتَعَالَى اللَّهُ الْمُلكُ الْحُقْ

پس بلند مرتبه است و بزرگوار خدایی که به حق و راستی پادشاه ملک وجود Exalted is God, the True Controller!



است و تو (ای رسول) پیش از آنکه وحی قرآن تمام و کامل به تو رسد Do not hurry while reading [the Qur'an] before its revelation

أنْ يُقضى إلَيْكَ وَحَيْهُو

تعجیل در (تلاوت و تعلیم) آن مکن has been accomplished for you,



و دائم بگو: پروردگارا بر علم من بیفزا. (۱۱۴) and [rather] SAY: " My Lord, increase me in knowledge!" (114) وَ لَقَدُ عَهِدُنَا إِلَى عَادَمَ مِنْ قَبُلُ فَنَسِى

و همانا ما پیش از این با آدم عهدی بستیم (که فریب شیطان نخورد) و او We had already made a pledge with Adam which he forgot.



فراموش کرد و در آن عهد او را استوار و ثابت قدم نیافتیم. (۱۱۵) We found he had no determination. (115) وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدْمَ

و (یاد آر) هنگامی که فرشتگان را گفتیم به آدم سجده کنید، When We told the angels: "Bow down on your knees before Adam,"



همه سجده کردند جز ابلیس که امتناع ورزید. (۱۱۶) they [all] knelt down except for Diabolis; he refused [to do so]. (116)

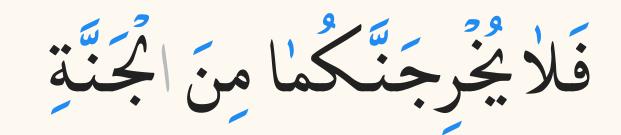
فَقُلْنًا يَا ءَادُمُ

آن گاه گفتیم: ای آدم We said: "Adam,



محققاً این شیطان با تو و جفتت دشمن است، this is an enemy for both you and your wife.





مبادا شما را از بهشت بیرون آرد و از آن پس Do not let him turn either of you out of the Garden,



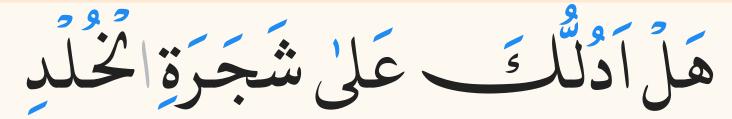
به شقاوت و بدبختی گرفتار شوی. (۱۱۷) so you will regret it. (117) إِنْ لَكَ الْا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعُرَى ﴿

همانا برای تو این هست که نه هرگز آنجا گرسنه شوی و نه برهنه و عریان مانی. You have so much in it that you need go neither hungry nor naked;



(۱۱۸) و نه هرگز در آنجا به تشنگی و به گرمای آفتاب آزار بینی. (۱۱۹) (118) you will neither thirst there nor feel sunstruck." (119) فَوسُوسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا ءَادُمُ

باز شیطان در او وسوسه کرد، گفت: ای آدم Satan whispered to him; he said: "Adam,



آیا (میل داری) تو را بر درخت ابدیت shall I lead you to the Tree of Immortality





و ملک جاودانی دلالت کنم؟ (۱۲۰) and such control as will never disappear?" (120)

فَأَكُلا مِنْهَا فَبَدَتُ لَهُمَا سَوْءًا تُهُمَا

پس آدم و حوّا (فریب خوردند و) از آن درخت تناول کردند، So they both ate some of it, and their private parts became apparent

و طفقا يخصفان عكيهما

بدین جهت (لباسهای بهشتی از تنشان دور و عیوب و) عورت آنها در نظرشان to them. They set to patching themselves over with leaves



پدیدار شد و شروع کردند به ساتری از برگ درختان بهشت خود را پوشاندن. \Diamond from the Garden.

و عصى عادم ربه و فغوى ش ثم اجتبه

و آدم نافرمانی خدای کرد و گمراه شد. (۱۲۱) سپس خدا او را Adam had disobeyed his Lord and was misled! (121) Later on his



(به مقام نبوتش) برگزید و توبهٔ او را پذیرفت و هدایتش فرمود. (۱۲۲) Lord chose him, and He relented towards him and guided [him]. (122)

قَالَ اهْبِطا مِنْهَا جَمِيعًا فَ

آن گاه خدا (به آدم و حوا) فرمود: اکنون از عالی رتبهٔ بهشت فرود آیید He said: "Clear out of here, both of you together!



که برخی از شما با برخی دیگر دشمنید، Some of you [will become] enemies of others.

فَإِمَّا يَأْتِينَكُمْ مِنِّي هُدًى

پس اگر از جانب من برای شما راهنمایی بیاید Should guidance ever come to you from Me,



آن هنگام هر که از راه من پیروی کند no one who follows My guidance





نه هرگز گمراه شود و نه شقی و بدبخت گردد. (۱۲۳) shall ever stray away nor regret it; (123)



و هر کس از یاد من اعراض کند while anyone who fails to remember Me





همانا (در دنیا) معیشتش تنگ شود will have a meager living



و روز قیامتش نابینا محشور کنیم. (۱۲۴) and We shall summon him as a blind person on Resurrection Day. (124)

قال رَبِّ لِمَ حَشْرَتني أَعْمَى

گوید: الها، چرا مرا نابینا محشور کردی He will say: 'My Lord, why have you summoned me



و حال آنکه من بینا بودم؟ (۱۲۵) as a blind person when I was sighted?' (125) قَالَ كَذُلِكَ ٱتتنكَ ءَايَاتُنَا فَنَسِيتُهَا وَاللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّ

خدا به او فرماید: (آری) بدین گونه آیات ما برای هدایت تو آمد و همه را به طاق He will say: 'Thus did Our signs come to you, and you forgot them;



فراموشی و غفلت نهادی، و امروز هم تو فراموش (و بیبهره) خواهی شد. (۱۲۶) that is why you have been forgotten today." (126)

وَ كَذَٰ لِكَ نَجُزى مَنْ اَسْرَفَ

و این چنین ما هر کس را که ظلم و نافرمانی کند Thus We reward anyone who overdoes things



و ایمان به آیات پروردگارش نیاورد مجازات سخت میکنیم and does not believe in his Lord's signs.





با آنکه عذاب آخرتش Torment in the Hereafter



سخت تر و پاینده تر خواهد بود. (۱۲۷) will be even more severe and everlasting. (127)



اَ فَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كُمُ اَهْلَكُنَا قَبُلَهُمْ

آیا این کفار قریش را از مشاهدهٔ حال طوایف بسیاری از گذشتگان که ما همه را Did it not guide them [to see] how many generations We had

مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْاكِنهِمْ

هلاک کردیم و اینان در منازل و عمارات آنها میروند (عبرت و پند و) هدایت نبود؟ فلاک کردیم و اینان در منازل و عمارات آنها میروند (عبرت و پند و) هدایت نبود؟



بی شک احوال گذشتگان برای خردمندان بسیار مایهٔ عبرت و آیهٔ هدایت است. (۱۲۸) In that are signs for persons who are wary.: (128)



اگر نه این بود که کلمهٔ پروردگار (و تقدیر ازلیش بر این کار) سبقت یافته If word had not already gone ahead from your Lord,



(که کافران و بدکاران این امت در قیامت به کیفر رسند) همانا عذاب it would have been made compulsory



(در دنیا بر آنها) لزوم مییافت و آن اجل معین فرا میرسید. (۱۲۹) and a deadline set. (129)

فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ

پس تو بر آنچه (امت جاهل بر انکار و طعن تو) می گویند So be patient about anything they may say



صبر و تحمل پیش گیر و خدای را and hymn your Lord's praise



قَبُلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبُلَ غُرُوبِهَا الْ

پیش از طلوع خورشید و بعد از غروب آن before the sun's rise and before its setting,



و ساعاتی از شب تار و اطراف روز روشن، and in the small hours of the night.



وَ أَطُرُافَ النَّهَارِ

ستایش و تسبیح گو، Hymn it as well at the ends of the day



باشد که (به مقام رفیع شفاعت) خشنود شوی. (۱۳۰) so that you may meet approval. (130) و هرگز به متاع ناچیزی که به قومی از آنان (قومی کافر و جاهل) Do not strain your eyes towards what We let some types



در جلوهٔ حیات دنیای فانی برای امتحان داده ایم of them enjoy, the blossoming of worldly life,

لنفتنهم فيه

چشم آرزو مگشا، so We may test them by means of it.



و رزق خدای تو بسیار بهتر و پاینده تر است. (۱۳۱) Your Lord's provision is better and more lasting. (131)



446

وَ أَمْرُ أَهْلُكُ بِالصَّلَوٰةِ وَ اصْطَبِرُ

تواهل بیت خود را به نماز و طاعت خدا امرکن و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش، Order your household to pray and to discipline themselves by means

عَلَيْهَا لَانسَعَلَكَ رِزْقًا نَحُنُ نَرُوْقَكُ عَلَيْهَا لَانسَعَلُكَ رِزْقًا نَحُنُ نَرُوْقَكُ

ما از تو روزی (کسی را) نمی طلبیم بلکه ما به تو (و دیگران) روزی می دهیم، of it. We do not ask you for any provision; yet We will provide for you,



و عاقبت نیکو مخصوص (اهل) پرهیزکاری و تقواست. (۱۳۲) and the outcome rests on doing your duty. (132)

وَ قَالُوا لَوَ لَا يَأْتِينًا بِعَايَةٍ مِنْ رَبِّهُ

و کافران گفتند: چرا (محمد) آیت و دلیلی روشن از جانب خدا برای ما نمی آورد؟ They say: "If he would only bring us some sign from his Lord!" \bigcirc



آیا آیات بیّنهٔ کتب پیشین (چون تورات و انجیل و صحف Has not evidence already reached them



که در همه ذکر اوصاف نبوت هست) بر آنان نیامد؟ (۱۳۳) about what was in the early scriptures? (133)

وَ لَوْ أَنَّا آهُلَكُنَاهُمُ

و اگر ما پیش از فرستادن پیغمبر، کافران (و مشرکان قریش) را If We were to wipe them



همه به نزول عذاب هلاک می کردیم البته آنها می گفتند: پروردگارا out ahead of time with torment, they would say: "Our Lord, لَوْ لا ارسُلْت إلينا رسُولاً فَنَتَّبِعُ

چرا بر ما رسولی نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم if You had only sent us a messenger, we would have followed



پیش از آنکه به این عذاب و ذلت و خواری گرفتار شویم؟ (۱۳۴) Your signs before we were humbled and disgraced." (134)

قُلُ كُلُّ مُتَرِبِّصُ فَتَرَبِّصُ وَتَرَبِّصُوا دُ

بگو: هریک (از ما و شما) منتظریم، پس مترصد و منتظر (امر خدا) باشید SAY: "Everyone lives in expectation, so be on the lookout!



که به زودی خواهید دانست You will know



44.

مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِي

(ما و شما) كدام به راه مستقيم سعادت رفته who are [your] companions along the Level Road



و طریق هدایت یافتهایم. (۱۳۵) and who has been guided. (135)













negaresh.asan negareshasanpub 🥏





www.negaresh-asan.ir